

TAKHASOS

Monthly 144 - 145

تخصص
هنامه
ما

شماره ۱۴۴/۱۴۵ دور سوم اسد/ سنبله ۱۳۹۹ خورشیدی
مطابق با اکت/ سپتامبر ۲۰۲۰ میلادی

ماہنامہ
تخصص
ارگانی نشراتی شورای شمعان

گروه پنج نفری پزشکان زن در هرات
موفق به انجام عملیات پیچیده مغز شدند



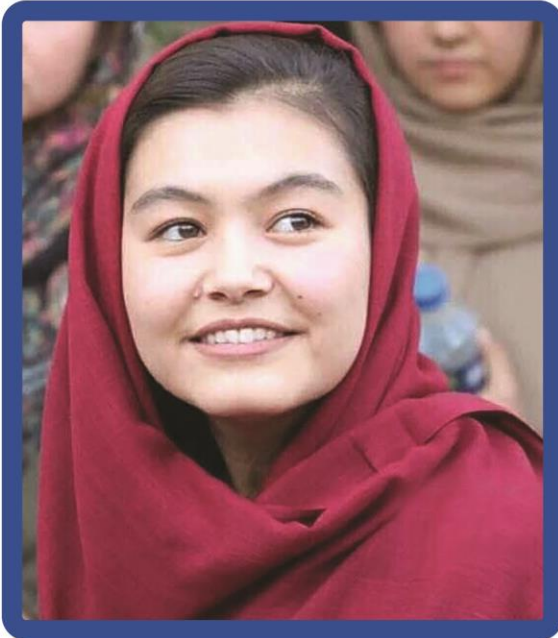
تیم فوتبال دختران هرات قهرمان
مسابقات لیگ برتر بانوان افغانستان شد



کارگاه آموزشی:
مشارکت سیاسی

کارگاه آموزشی:
بررسی عوامل تاریخی
و فرهنگی انزوای سیاسی
هرات

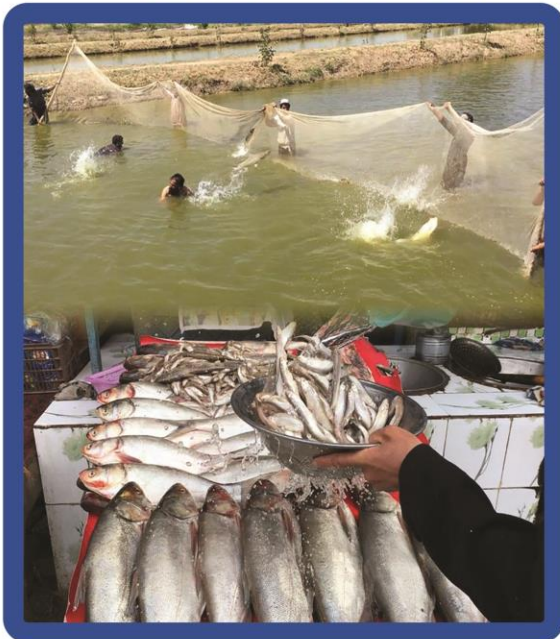
شمسیه یک سال برای آمادگی کانکور تلویزیون ندید،
تا آمد ببیند اسم و عکس خودش بود



صادرات قالین افغانستان ۷۰ درصد کاهش یافته است

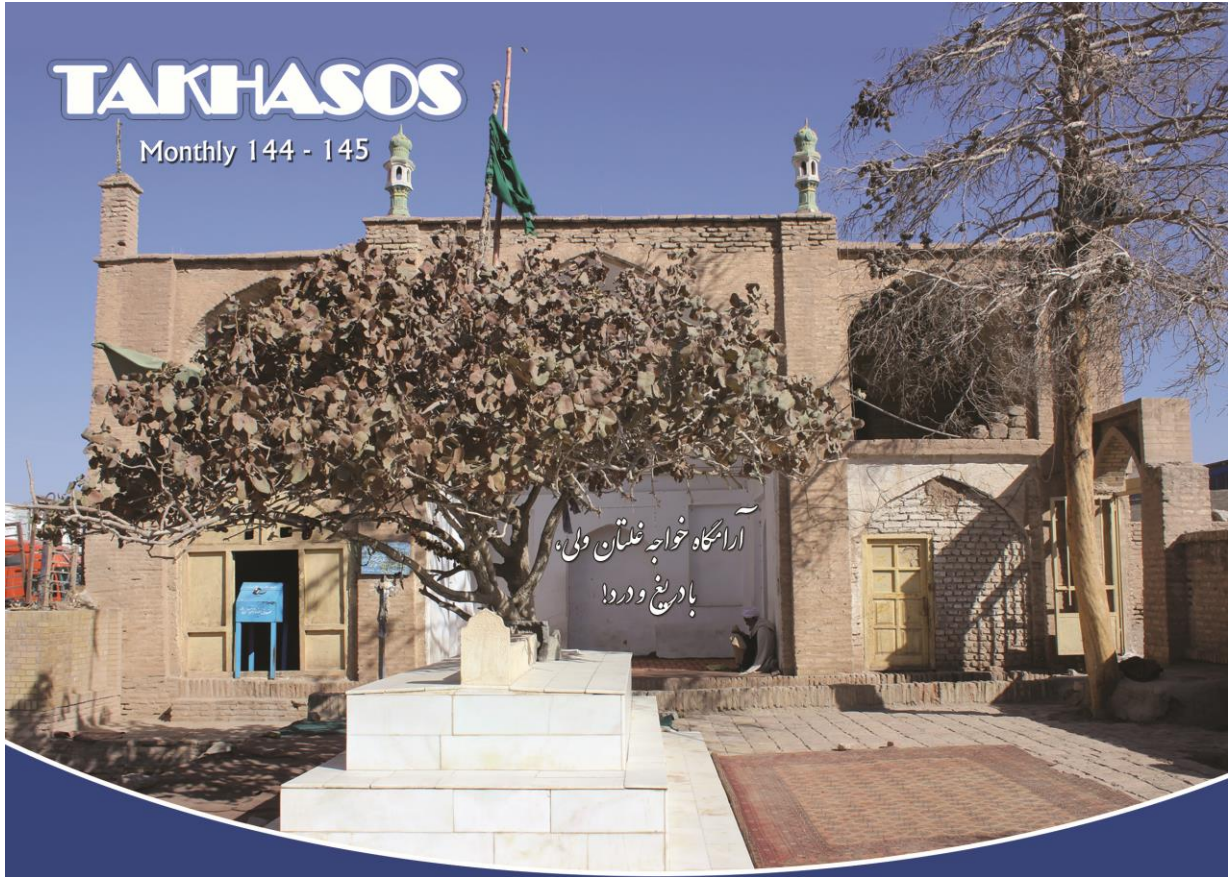


پرورش ماهی در افغانستان افزایش یافته است



TAKHASOS

Monthly 144 - 145



ابونصر ہروی برنابادی (مولانا محمد اعظم)



چرا ما در تعیین سرنوشت خود نقش اساسی نداریم؟

افغانستان چهار دهه است که در جنگ و ناامنی قرار دارد این فاجعه در پهلوی کشتار و زخمی شدن و مهاجرت میلیون‌ها افغان و تخریب زیربنای اقتصادی، بحران اعتماد را بین مردم افغانستان بوجود آورده، و این بحران در حدی تشدید شده که حالا همه به هیچ فرد و گروهی اعتماد نمی‌کنیم و فقط در محور خود می‌چرخیم.

عوامل اساسی این بحران اولاً در دوران جهاد با ایجاد تنظیم‌ها و احزاب بر مبنای قوم، لسان و مذهب شروع شد، که با ایجاد دولت جدید و تدویر انتخابات‌های ریاست جمهوری، شورای ملی و غیره این روند عمیق‌تر گردید چنانچه استعمال رأی و کسب رأی بر اساس عوامل فوق‌الذکر در انتخابات‌ها بوده است.

نتیجه این فرایند تفرقه وسیع و فاصله بین مردم شده که هیچگاه نمی‌گذارد ما به یک نقطه وصل برسیم. این مسئله باعث می‌شود تا یک اراده ملی سرتاسری شکل نگیرد که حامی و پشتیبانی اساسی استقلال سیاسی، رشد اقتصادی و ایجاد یک نظام بر مبنای منافع اکثریت مردم باشد.

با نبود یک اراده قوی و متشکل ملی، زمینه برای مداخله کشورهای همسایه، منطقه و بیرونی فراهم شده و آنها هستند که در مجامع بین‌المللی و حتی ملی، اراده و خواست خویش را تحمیل می‌کنند و یا باهم رقابت می‌نمایند - و نقش ملت افغانستان به شدت کاهش پیدا می‌کند- که مذاکرات قطر نمونه و تازه‌ترین سناریو آن محسوب می‌شود.

آیا واقعاً جانب دولت افغانستان و طالبان می‌توانند مستقلانه به عنوان دو جناح سیاسی نظامی در کشور به بحث و گفتگو و تفاهم بپردازند؟

متأسفانه ما از ملت شدن بسیار فاصله داریم و این فاصله روز بروز بیشتر می‌شود و تا زمانیکه همه بی‌ما بخاطر صلح، آرامش، ثبات و ترقی خانه‌مشتزکمان، بدور از تعصبات کشنده، صادقانه تلاش نکنیم، انتظار نداشته باشیم که دیگران برای کشور ما گل بکارند.

جلو ضرر را از هر جا که بگیریم به فایده ماست، همدیگر پذیری، تقویت حسن اعتماد و عمل صادقانه با اتکا به الله بزرگ مسیری درست و واقعی است برای آینده روشن ما.

عناوین

- ۱) سرمقاله..... ۱
- ۲) شرح بیبی از منوی، روزگار وصل ... ۳/۲
- ۳) گروه پنج نفری پزشکان زن در ۴
- ۴) افزایش تولید ماهی در فارم‌های ۵
- ۵) داستان کوتاه، دردی به وسعت ۶ و ۷
- ۶) کارگاه آموزشی: مشارکت سیاسی ۸
- ۷) صادرات قالین افغانستان ۷۰ درصد ۹
- ۸) ششمیه یک‌سال برای آمادگی کانکور ۱۰
- ۹) نوراحمد کریمی فردیکه برای فرهنگ ۱۱
- ۱۰) موسی موهذ مشهور به پیکاسو ۱۲ و ۱۳
- ۱۱) سرخان یا Measle یا خلتیر ۱۴ و ۱۵
- ۱۲) کارگاه آموزشی: بررسی عوامل ۱۶
- ۱۳) عادی پنداری خشونت در رسانه‌ها ۱۷
- ۱۴) از روز جهانی محافظت از لایه اوزون ۱۸
- ۱۵) تغییرات اقلیمی اثرات پیامدهای ۱۹ و ۲۰
- ۱۶) حاصلات انگور هرات به ۱۴۰ هزار تن ۲۱
- ۱۷) ابونصر هروی برنابادی (مولانا محمد ۲۲
- ۱۸) خلمس سوانح - محمدناصر حبیب ۲۳
- ۱۹) آرامگاه خواجه غلغان ولی، با دریغ و ۲۴ و ۲۵
- ۲۰) افزایش خشونت‌ها در کشور مردم را ۲۶
- ۲۱) ادامه مطلب تغییرات اقلیمی و ۲۷ و ۲۸
- ۲۲) سیاوشان یادآوری از باستان زمانه‌ها ۲۹
- ۲۳) شکایت خبرنگاران از عدم دسترسی ۳۰
- ۲۴) تیم فوتبال دختران هرات قهرمان ۳۱
- ۲۵) سخن ۳۲

صاحب امتیاز: شورای متخصصان

مدیر مسئول: الحاج محمد رفیق شهیر

هیئت تحریر: محمد ناصر رهیاب،

سید معیدالحق موحدی، عبدالرحیم امید،

داکتر عبدالقیوم قائم، انور شاه یوسفی و صلاح‌الدین جامی.

گزارشگر: فریبا اکبری

طراح جلد و صفحه آرائی: عبدالحق مرادی

تیراژ: - ۱۰۰۰ جلد

قیمت ۲۰ افغانی

نشانی: دفتر شورای متخصصان هرات، مقابل ریاست

مخابرات، تعمیر بهسود زاده منزل دوم

روزگار وصل

عبداللطیف محمدی

هر کسی کو دور ماند از اصل خویش
باز جوید روزگار وصل خویش (بیت ۴)

از این بیت مولانا (رح) می‌شود مفاهیم بزرگی چون خودشناسی (مقدمه‌ی خداشناسی)، خداشناسی و گستره پیام و دعوت ایشان را برداشت کرد. این بیت حکایت از غربت و دوری دارد زیرا تاریخ بشر تاریخ احساس غربت (نوستالژی) است. تمام عرفای اسلامی تجلیات گوناگون این احساس جدایی از اصل را به طرز بی‌پایان کرده‌اند. انسان مسافری است که به این عالم ناسوت تبعید شده است. در بینش عرفان اسلامی، آدمی در جریان خلقت از اصل افلاکی خویش به دور افتاده و به اسفل‌السافلین هبوط کرده است و انسان زندانی چاه‌ساز طبیعت شد. انسان امروز سرگشته و بی‌وطن است و وطن داشتن به تعبیر عارفان مسلمان؛ یعنی سکنی گزیندن در قرب الهی و به عبارت دیگر انسان از دیگر جای، ناکجا آباد به راه افتاد و در پی هبوطی غم بار بدین غریبستان تبعید شد. در حالی که عشق را و روح را به یادگار، حضرت دوست در وجودش به ودیعت نهاده بود. روی آوردن بشر از علم و تکنولوژی به عرفان و پیدایش مکاتب گوناگون روان‌شناسی، مردم‌شناسی و ... نشانه آن است که این مسائل نتوانسته پاسخ‌گوی نیازهای روحی بشر باشد و هنوز اندوه، ناکامی و فراق بر روح بشر استیلا دارد. ادبیات و هنر معاصر بیش از هر

دوره‌ای وحشت و تنهایی و بی‌پناهی آدم را بیان می‌کند. هر چه شهرها بزرگ‌تر و پررونق‌تر می‌گردد، فشار تنهایی محسوس‌تر می‌گردد؛ علت عمده آن نیز گسستگی روحی بین

شرح ابیاتی از مشوی

انسان و خالق و دور افتادن او از نشیمن امن آن جهان است. در نتیجه انسان همیشه احساس کرده که در این چارچوبه عالم مادی زندانی و غریب است و این احساس غربت در این جا ناله، درد و اندوه و یک غم مبهم را در او به وجود آورده، این غم مبهم در طول تاریخ بر چهره انسان سایه افکنده و در همه ادبیات و عرفان و در همه هنرهای متعالی وجود دارد. بهرحال مسأله غربت قبل از مولانا نیز به صورتهای مختلفی میان حکما و عرفا مطرح بوده است.

امام محمد غزالی (رح) و شیخ شهاب‌الدین سهروردی (رح) نیز درباره مرغان و شوق آنها به جستجوی عنقا داستان‌هایی مطرح می‌کنند و در واقع روح را به مرغانی تشبیه می‌کنند که در قفس تن محبوس‌اند. امام محمد غزالی (رح) (وفات ۵۰۵ هـ.ق) در کتاب احیاء علوم‌الدین و ترجمه فارسی آن کیمیای سعادت اشاره دارد به این که جایگاه اصلی روح این دنیا نیست و عالمی دیگر است و باید که عوالمی را طی کند، منزل به منزل تا به اصل خویش برسد. با بررسی متون نظم و نثر عرفای متقدم مولانا همچون ابوسعید ابوالخیر، خواجه عبدالله انصاری، حکیم سنایی، عطار، نجم رازی (رحمهم الله) و بزرگان دیگر نیز می‌توان رد پای غربت روح انسان را یافت که هر چه جلوتر می‌آییم، این مسأله پر رنگ تر مطرح می‌گردد تا برسیم به مولانا که مسأله غربت انسان را بسیار عارفانه، هنرمندانه و موشکافانه در جای جای اشعار عرفانی خویش به تصویر کشیده است. اکثر این عرفا برآنند که انسان را در ازل با عشق آمیخته‌اند، پس از هبوط این عشق در وجود او باعث ایجاد احساس غربت و عدم سنخیت در این سرای ظلمانی شده و سر انجام انسان مبتلا به غم غربت، هجر و فراق گردیده است. و عرفان اسلامی تماماً نوستالژی و توأم با غم غربت است برای نمونه می‌توان به غم غربت، جدایی نی از اصل که نیستان نامیده می‌شود، سیر و سفر روح به تنگنای جسم و ... اشاره نمود که در کلام مولانای بزرگ جلوه ویژه‌ای یافته است.

باری، از دید عرفا سیر و سفر (سفر اربعه) به چهار صورت انجام می‌شود. دو نمونه از آن، یکی سیر از حق به خلق

و دیگری سیر از خلق به حق است.

هنگامی که سیر از حق به خلق است هم‌ماش تفرقه است ولی هنگامی که این سفر از خلق به سوی حق انجام می‌پذیرد، حتی همه اضداد با یکدیگر متحد می‌شوند و تفرقه از میان برداشته می‌شود.

یکی از مواردی که به دنبال غم و غربت و دوری احساس می‌گردد میل به تجدید وضعیت و شوق وصال و بازگشت به اصل است. یکی از اصطلاحات روانشناسی نیز که وارد حوزه ادبیات شده «نوستالژی» یا غم غربت وانگهی اشتیاق مفرط برای بازگشت به گذشته است. به طور کلی آدمی هیچ‌گاه از وضع موجود، و احوال روزگار خود راضی نبوده، بنابراین هر کس به نوعی با این دلنگی‌ها قرین بوده است و در قبال آن، میل به تجدید وضعیت موجود داشته است زیرا او به عنوان یک انسان، احساس خوب رسیدن و دست آوردن را دوست دارد مخصوصاً به اینکه در حیطه عرفانی این احساس خوب در جهت رسیدن به حق و موطن اصلی روح انسانی باشد. مولانا (رح) با استناد به سوره بقره می‌فرماید: و ان لما جمیع لدینا محضرون. بقره / ۱۵۶. ترجمه: (و کسی نیست از ایشان جز آن که همگی‌شان نزد ما حاضر شوند) به بازگشت مخلوقات و مخصوصاً روح به سوی خداوند اشاره دارد.

باید یادآور شد که مسئله غربت روح یکی از بارزترین جلوه‌های «غم غربت» در ادب عرفانی است. روح که از وطن وصلی خود دور افتاده است در این جهان به دلیل تنگناهای موجود، یاد دوران خوش گذشته می‌افتد و از این که چنین عزت و آسایشی را از دست داده است دچار دلنگی و حسرت می‌شود. عاشق با معشوق یگانه است، با حضور او زنده خواهد ماند اما چون از کل خود برید به زودی خواهد فرسود. حالا مفهوم بیت «شنسو از نی» بهتر درک می‌شود و این که چرا مولانا این همه ناله و فریاد سر می‌دهد به خاطر جدایی از کل.

ادامه مطلب در صفحه بعدی



دور سوم شماره ۱۴۴ - ۱۴۵ اسدو سنبله ۱۳۹۹ خورشیدی

۲

حکیم الامت اشرفعلی تھانوی در کلید مثنوی در شرح این بیت می‌نویسد: «در این بیت علت شکایت و حکایت «نی» بیان شده است. یعنی شخصی که از اصل و مبدأ خود دور افتاده است، سرانجام به تکاپو می‌افتد و روزگار وصل و خزمی و شادکامیش را می‌جوید. «من نیز از آن‌جایی که از عالم ارواح جدا شده و صفاتی را که در آن جا داشته‌ام، از دست داده‌ام، مجدداً به تکاپو افتاده‌ام تا به همان باغ و بهار دست یابم.»

مولانا بعد از آن ناله‌ها و فریادها به جهت جدایی از کل و موطن اصلی آرزو و امید وصال به دیار و یار را در سر می‌پروراند و در جستجوی آن است. ایشان معتقد است که خطاب (الست) خطاب عام و ازلی و ابدی است که همه موجودات از آن برخوردار می‌شوند. این خطاب جاودانی همیشه بوده و همیشه خواهد بود. آمدن موجودات از (عدم) به (وجود) تفسیر این «بلی» است به الست عشق که از عالم بی‌نشان به عالم شهادت روی می‌آورد.

بحرالعلوم می‌نویسد که مراد از اصل معشوق است که انسان از آن جدا افتد و دور گردد. بدون شک وصل را باز خواهد جست. ایشان اصل را به بیرنگی تعبیر می‌کند یعنی دور افتاد و به رنگ و امتیاز ملیس گردید. از نظر عرفا این مصیبت بزرگی است چون ایشان معرفت کامل دارند و قیمت وصل و هجران را خوب درک می‌کنند بنابراین طبیعی است که با تمام وجود از این هجران نالان اند و دردمند و همیشه در جستجوی وصل خویش؛ البته بعضی از شارحین گفته‌اند که بیت بعدی همیشه در مثنوی بیت ماقبل خود را شرح می‌دهد و آن را تکمیل می‌کند و این به معنی درک مفهوم و پیام مولانا از ابیات مثنوی با توجه به بافت معنایی (کانکتکست) است که مولانا در ابیات پسین و پیشین چه‌ها فرموده.

«روکرت» بازگشتن و بازگشتن را طبق روایت از شعر مولانا به مرگ تعبیر کرده است. قربانی کردن خویش در راه عشق به شب پراهی که جهت قرار گرفتن در سطح عالی‌تر به زندگی دوباره خود را به آتش می‌زند، تعبیر می‌کند. و می‌نویسد وقتی که درویشان رذای خاکی تیره را از تن فرو می‌افکنند تا در جامه سپید زندگی جاودان ظاهر گردند و گرد قلب گرم هستی یعنی خورشید جاودان بگردند. مولوی خود نمونه‌ای از مرگ، رستخیز روحی، هجران، وصل یا تجربه فنا و بقاست. (Glasgow, ۱۹۰۳)

دعوت فطری و جهانی
برداشت من از این بیت با برداشت پلورالیستی (تکثرگرایی) به مفهوم متعارف آن که در نزد بعضی از اندیشمندان وجود دارد، متفاوت است زیرا با توجه به حالات،



افکار و زندگانی مولانا نمی‌توان نگاه باورمندان به باورها و راه‌های مختلف هدایت داشته باشیم چه، این بینش نمی‌تواند با بنیادها و مبانی باورهای مان سنخیت پیدا کند بلکه پیام این بیت می‌تواند «دعوت به فطرت» باشد یعنی دعوت به فطرت پاک انسانی، صرف نظر از باورها و مشرب‌ها به توحید الهی. زیرا ایشان نظم و نظام هستی و سعادت بشری را در چنگ زدن به توحید می‌داند، توحیدی که سلسله نوری و طلایی انبیاء معرفی نمودند.

خود شناسی

مطلبی که در زمینه خودشناسی و درک شخصیت از دیدگاه مولانا لازم به ذکر است این است که انسان مسلمان نباید به انکار شخصیت و خودشناسی بپردازد بلکه به اعتماد به نفس و خودشناسی که اساس و شالوده حرکت و فعالیت است اقدام کند. انسانیت و شخصیت را باید به مردم معرفی کرد. انسانیتی که خلافت پروردگار را در روی زمین بر دوش دارد، کائنات در اختیار اوست، اولین بشر و مسجود ملایکه، حامل پیام‌های خداوند برای دیگران و ... همه موجودات مطیع و فرمانبردار او. این بانگ بیدارگر مولانا است که شرافت انسانی را که در تار و پود شعر و ادب، هر دم جان تازه‌ای می‌دمد و آن را دوباره زنده می‌کند. پیام ایشان خودسازی و سپس رسالت است تا فضیلت انسان را با شور و شجاعت، ایمان و بلاغت به افراد جامعه برساند و بار دیگر روح ایمان عرفان را دمیده و تجدید حیات نماید؛ به جاست که این تحول و موج را «افتخار به انسانیت» نامید.

چنانچه در نوشته‌های پیشین نیز یادآوری شد ما باید متوجه معنای باطنی سخنان مولانا بزرگ باشیم. آنه ماری شیمل استاد دانشگاه هاروارد در مقاله‌ای تحت عنوان «مولوی: دیروز، امروز و فردا» می‌نویسد: اگر ما بتوانیم به پیروی از مولوی، آن گونه که وی به اشیاء می‌نگریسته به آن‌ها نگاه کنیم، بسیاری از برش‌های زندگی، حتی زندگی روزانه ما در این قرن همچو نمادهایی که دلالت بر حقیقت عالی‌ترین دارند ادراک می‌شوند.

مولانا توصیه می‌کند که انسان اولین کتابی که باید بخواند، کتاب خود شناسی است. تا خود را نشناسی، خدا را نیز نمی‌توان شناخت. به تعبیر دوکتور علی شریعتی شرط آنست که در سیر تکاملی معنوی‌مان به اوج کمال مطلق نزدیک شویم. و نزدیک شدن به خدا را با انجام کارهای نیکو به کمال مطلوب برسانیم. و این معراج دایمی انسان کامل است. محوری‌ترین اصل نزد مولانا، بازگشت اشیاء به اصل خود است. و واصل شدن به آن حقیقت مطلق از همین جاست که سرود جدایی انسان را در نی نامه‌اش سر می‌دهد:

**کز نیستان تا مرا ببریده اند
وز نفیرم مردو زن، نالیده اند
سینه خواهم شرحه شرحه از فراق
تا بگویم شرح درد اشتیاق**

هر کسی کو دور ماند از
اصل خویش ... منظور
مولانا این است که تو
آثار عالم غیب و پدیده‌های
مادی آفرینش را می‌بینی و
به اصل هستی پی نمی‌بری.

می‌گوید: چون ما فقط به هستی فردی و ناپایدار خود
می‌اندیشیم، با هم نزاع داریم و نمی‌دانیم که بر امواج
دریای حقیقت شناوریم که یکی بیش نیست. ما در
اسارت زندگی مادی «به خواب رفته» و بی‌خبر از
حقیقت مانده‌ایم.

سرانجام، در این نگاه، انسان پاره‌ای جدا افتاده از یک
کل است، جدا افتاده از یک اصل و ریشه پاک و قدسی
یا ساحتی یا حالتی شبیه به یک بهشت آسمانی سرشار
از همه زیبایی‌ها، نیکی‌ها، پاکی‌ها و مملو از آسایش،
مهربانی و لطف کمال، و به تعبیری ساحتی متعالی.
مولانا در ابتدای مثنوی این اصل و ریشه را به نیستانی
تعبیر می‌کند که «نی» وجود آدمی از آن جدا مانده
است. در همان جا مولانا اشاره می‌کند که این پاره
جدا مانده، در سیر زندگی همواره از فراق رنج می‌برد و
می‌نالند و دائماً در جستجوی اصل و ریشه خود می‌باشد:
(هرکسی کو دور ماند از اصل خویش / باز جوید روزگار
وصل خویش)؛ «باز جوید= جستجو کند.»

این نیستان همان بهشتی است که در کتب آسمانی
منزل و ماوای اولیه آدمی بوده است، یا اصل و ریشه
فطری پاک و قدسی انسان و یا عمیق‌ترین لایه‌های
وجودی ماست که گرایش ذاتی به خیر، کمال و پاکی
از آن سرچشمه می‌گیرد، و یا اینکه این بهشت، محل
چشمه های جوشان رحمت‌ها و نعمت‌های بی پایان
الهی است. به هر حال، اشاره و تأکید مولانا به این
وصلت پاک، به کرات در مثنوی وجود دارد.

منابع:

تاریخ دعوت و اصلاح، جلد اول، امام ابوالحسن ندوی
شرح مثنوی، حضرت بحرالعلوم
کلید مثنوی، اشرفعلی تھانوی
شرح مثنوی شریف، بدیع الزمان فروزانفر
میراث مولوی، ویلیام چتیک، آنه ماری شیمل، کریستف
بورگل و دیگران
فصلنامه عرفان اسلامی، سال چهاردهم، شماره ۵۶،
تابستان ۹۷
بررسی غربت انسان در اشعار مولانا، عبدالرحیم عتاقه
& الهه کلاهدوز، کارشناس ارشد عرفان اسلامی





گروهی پنج نفری پزشکان زن در هرات موفق به انجام عملیات پیچیده مغز شدند

مزار شکر: فریبا اکبری

که این گروه عملیات جراحی مغز آن را انجام دادند، از ولایت فراه بود و خونریزی مغزی باعث فلج نیمی از بدن وی شده بود و همچنان اختلالات تکلم نیز داشت. که خوشبختانه بعد از عملیات دو ساعته وضعیتش خوب شد و توسط داکتران زن تداوی شد. او از دولتمردان کشور می‌خواهد که زنانی که تلاش برای اثبات توانایی‌شان انجام می‌دهند، حمایت کند. فرزانه کریمی کارشناس جندر مقام ولایت هرات بیان می‌کند، دولت افغانستان از زنان پویا و نوگرا قدردانی می‌کند و این گروه پنج نفری از داکتران زن از سوی داکتر نور احمد حیدری تقدیر شده است. وی اضافه کرد انجام موفقانه این عملیات جراحی نشان داد که زنان می‌توانند در تمام عرصه‌ها دست‌آورد چشمگیر داشته باشند. اعضای این گروه خواستار توجه بیشتر دولت برای توانمندسازی و حمایت زنان هستند.

مسوولان صحتی در ولایت هرات بیان می‌کنند که برای نخستین بار پنج داکتر زن توانستند که عملیات پیچیده مغز را به طور مستقل انجام دهند.

داکتر ناصر حبیب ربیس شفاخانه‌ی حوزوی هرات می‌گوید که برای نخستین بار پنج داکتر زن به طور مستقل و بدون مشارکت و مداخله داکتران مرد این عملیات جراحی را انجام دهند.

داکتر فرشته حبیب یک تن از این گروه پنج نفری هست، وی می‌گوید: "این عملیات نشان داد که زنان بیش از آنچه در باورهای کلیشه ای است توانایی دارند".

وی از دولت می‌خواهد که زمینه‌ی آموزشی‌های تخصصی بیشتر را برای‌شان فراهم کند.

داکتر پریسا حسن‌زاده در مورد این عملیات جراحی گفت که مریضی



دور سوم شماره ۱۴۴ - ۱۴۵ اسد و سنبله ۱۳۹۹ خورشیدی

۴

افزایش تولید ماهی در فارم‌های افغانستان به ۱۱ هزار متریک تن در سال

حجید فہیم بی بی سن

فصل‌های بهار و تابستان، گوشت ماهی بیشتری تولید می‌شود. افغانستان در سال ۲۰۱۵ سالانه حدود ۱ درصد ماهی مورد ضرورتش را در داخل تولید می‌کرد. مزرعه‌داران ماهی می‌گویند در حال حاضر برای تبدیل شدن یک جوجه ماهی به ۴ کیلوگرام گوشت به حدود ۷ تا ۸ ماه زمان نیاز است، اما پرورش ماهی در افغانستان تجربه جدید است و به همین دلیل تولید انبوه آن با کندی پیش می‌رود. افغانستان در سال ۲۰۱۵ سالانه حدود ۱ درصد ماهی مورد ضرورتش را در داخل تولید می‌کرد این در حالی است که در آن زمان بیش از ۳ مرکز پرورش ماهی در این کشور تأسیس شده بود. مجموع تولید سالانه این مراکز به ۱۵۰۰ تن گوشت می‌رسید که حدود یک درصد مصرف گوشت ماهی را در کشور میساخت. گوشت ماهی با وجود سود فراوان بهداشتی، در افغانستان مصرف فصلی دارد. در گذشته گوشت ماهی در این کشور تنها از طریق ودخانه‌ها تأمین می‌شد، اما امروز قسمت زیاد آن از این فارم‌ها بدست می‌آیند. مثلاً حالا در کابل دو نوع ماهی را در فارم‌ها پرورش می‌دهند: ماهی آب سرد و ماهی آب گرم. مسئولان بخش پرورش ماهی در وزارت زراعت/کشاورزی می‌گویند علاقمندی برای پرورش ماهی حال بیشتر شده است مسئولان بخش پرورش ماهی در

است، فہیم جباری، مسئول پروژه ملی باغداری و مالداری در شمال می‌گوید در سه سال گذشته حدود ۲۰۰ فارم پرورش ماهی در ولایت‌های شمالی افغانستان ایجاد شده، که بزرگترین آن فارم خلیل‌الرحمان در ولسوالی دھدادی است که ظرفیت تولید یک میلیون جوجه ماهی را در سال دارد. صلاح‌الدین، ماهی فروش در بازار محلی مزار می‌گوید کیفیت ماهی پرورشی داخلی بهتر است اما جوابگوی تقاضای بازار نیست، براساس معلومات رسمی تنها در شهر مزار، سالانه حدود ۶۰۰ تن ماهی از پاکستان وارد می‌شود. تمیم در شهر شبرغان فارم پرورش ماهی دارد. او می‌گوید بخشی از جوجه ماهی‌ها را از فارم مزار

وزارت زراعت مالداری (کشاورزی و دامپروری) افغانستان می‌گوید صنعت پرورش ماهی در این اواخر در شماری از ولایت‌های این کشور افزایش یافته است. براساس معلومات این وزارت، بیشتر مراکز پرورش ماهی در سه سال گذشته در ولایت‌های قندهار، هرات، ننگرهار، بلخ و کنر ایجاد شده است که در حال حاضر در سال ۱۱ هزار تن (متریک) ماهی تولید می‌کنند. اما با وجود افزایش فارم/مزرعه‌های پرورش ماهی در این کشور هنوز بخش عمده گوشت ماهی مورد نیاز افغانستان از پاکستان وارد می‌شود. وزارت زراعت و مالداری (کشاورزی و دامپروری) افغانستان می‌گوید به زمان بیشتر نیاز است تا مراکز پرورش و تکثیر جوجه ماهی در داخل کشور، واردات را کاهش دهند.



ماهیگیران مشغول گرفتن ماهی در یکی فارم‌های مزار بیشتر این مراکز خصوصی که در افغانستان ساخته شده با استفاده از حدود یک جریب زمین، حوض/استخرهایی می‌سازند و با استخدام دو یا سه کارمند حرفه‌ای، ماهی پرورش می‌دهند. وزارت زراعت می‌گوید که علاقه به حرفه پرورش ماهی در چند سال اخیر به گونه چشم‌گیری در افغانستان بیشتر شده است. ماهیگیران با احتیاط - ماهی‌های مادر و جفت آنان را از میان هزاران ماهی به دام می‌اندازند تا در حوض جداگانه آماده‌ی جفت‌گیری شوند. اینجا یک فارم پرورش ماهی در ولسوالی دھدادی در ۱۵ کیلومتری شرق شهر مزار است خلیل‌الرحمان مالک این فارم می‌گوید سه سال زمان بُرد تا جوجه ماهی‌ها تبدیل به مادران بارور شوند. صلاح‌الدین، ماهی فروش در بازار محلی مزار می‌گوید کیفیت ماهی فارم‌های داخلی بهتر است فارم پرورش جوجه ماهی خلیل‌الرحمان به کمک "پروژه ملی باغداری و مالداری" در مساحت ده جریب زمین ایجاد شده و امسال ۴۰۰ هزار جوجه ماهی پرورش داده

وزارت زراعت/کشاورزی می‌گویند که با در نظر داشت افزایش مصرف گوشت ماهی در کشور، علاقمندی برای پرورش ماهی حال بیشتر شده است. آنها می‌گویند که به منظور فراهم کردن بخش بیشتری از گوشت مصرفی ماهی، تصمیم دارند به مراکز بزرگ تکثیر و پرورش ماهی را در نقاط مختلف ایجاد کنند. اما اینکه این وزارت چه زمانی می‌تواند نیاز مصرف ماهی افغانستان را از منابع داخلی تأمین کند، باید منتظر ماند و دید.

خریداری کرده که از لحاظ قیمت مناسب و انتقال آن آسان بوده اما بخشی دیگر را از پاکستان وارد کرده که مصرف راه و ضایعات آن زیاد بوده، به همین دلیل توانسته باموقع تولید خود را به بازار عرضه کند اکبر رستمی سخنگوی وزارت زراعت و مالداری (کشاورزی و دامپروری) افغانستان می‌گوید تولید ماهی در این کشور سالانه به ۱۱ هزار تن رسیده اما به زمان بیشتر نیاز است تا واردات از پاکستان کاهش یابد در افغانستان به دلیل دسترسی بیشتر به منابع آبی در



دور سوم شماره ۱۴۴ - ۱۴۵ اسد و سنبله ۱۳۹۹ خورشیدی

۵

دردی به وسعت تنهایی



کوناه داستان

نویسنده: عبد الظاهر انصاری

آنطرف دیگر، هرکدام از اهالی خانه در اندیشه بودند که ممکن این مرضی به آنان سرایت کرده باشد یا به زودی دامنگیر آنان نیز شود. به همین سبب دلهره دارند و فضای خانه و خانواده را ترسی عمیق فرا گرفته است.

مرضی واگیر همه را مصاب می‌کند! چگونه این مرض ظهور کرد و...؟

مرد با صدای فرو خورده‌یی، درست همانند ناله‌هایش، رو به زن خود می‌گوید: «زن، نفسم بند، بند می‌آید، عذاب میکشم، الهی تو بدادم برس و...»

زن وقتی دستش را به پیشانی شوهر می‌برد، داغی تنور را در آن حس می‌کند و زیر لب چیزهایی می‌گوید و از اتاق بیرون می‌رود!

تنها وز، وز، وز مگس‌های حریص کنار بستر بیمار و دیگر فضای اتاق پر از خاموشی شده است. بیمار در حالی که به روی بستر دراز کشیده پی در پی ناله می‌کند و چشمانش به سقف دوخته شده. سقف با دو لاجه سیخ به هم تاب‌خورده به چهار حصه مساوی تقسیم شده است. این سیخ‌ها روزی برای استحکام سقف به کار رفته بودند تا بتواند بر شانه‌های ستون‌های خانه استوار بماند و سقوط نکند!

ادامه مطلب در صفحه بعدی

حلقه تسبیح با دانه‌های ریز، ریز که از میخی آویزان است، در نظر اول دیده می‌شوند. بیست روز قبل از این بود که یکی و ناگهان بیماری ناشناخته‌ای به سراغ او آمده بود. ابتدا سر و سینه‌اش دردی پیدا کرد و با گذشت دو-سه شبانه روز و درد گلو، تب توأم با کسالت و ضعف، وجودش را فراگرفت. مرضی شدیدی، مرضی بود که مدتی شده است شیوع یافته و مردم از آن می‌گفتند و دیگر همه جا به گوش مردم آشنا شده آنان را نگران خود ساخته است و می‌گویند هرگاه کسی به آن مبتلا شود سرانجامش مرگ است و اگر مریض صحت نیافت و مرد، مرده‌ی او را نیز به خانواده‌اش نمی‌دهند. از همین سبب همه دعا می‌کنند که خدا کسی را به این مرض مبتلا نکند!

ولی پدر "نازنین" که فکر نمی‌کرد کارش به اینجا کشیده شود، گرفتار چنین بلایی شده بود و همراه با آن، درد و غم بی‌کاری و تهی دستی نیز گلویش را به سختی می‌فشرد!

اینک بیمار در فکری فرو رفته و آثار پریشانی در سیمایش موج می‌زند و گاه گاهی ناله‌هایش اوج می‌گیرند. کسی هم به او نزدیک نمی‌شود تا جویای حال و تسلی بخش او شود. غم گنگی او را درخود می‌بچاند.

دروازه‌ی فرسوده‌ی چوبی با غُرُس به صدا در می‌آید و مرد بیمار وارد اتاق می‌شود، اتاقی نسبتاً کوچک با دیوارهایی از خشت و گل، اما گنج‌کاری شده. معلوم می‌شود که در گذشته‌ها رنگ شده بوده و هرچند با گذشت زمان رنگش رفته؛ ولی تاهنوز سقف گنبدی بر آن استوار مانده است. اندازه‌ی اتاق در حدود سه در چهار متر و عمرش هم‌زاد بیمار است و به زمانی بر می‌گردد که صاحبش که اکنون بیمار است هنوز شاگرد مکتب بود، درست چهل سال و چیزی بیشتر از امروز. اتاقی از چهار اتاق این خانه که در گذشته برای نگهداری وسایل مستعمل و احتیاطی استفاده می‌گردید و اعضای خانواده نام آن را "بارانداز" گذاشته بودند؛ مگر حالا خوابگاه صاحب پیر و سالخورده‌ی خود است که از مدتی به این‌طرف همین جا در بستر بیماری افتاده و ناله و زاری وئ در آن می‌پیچد.

در آن‌جا ترموز چایی به رنگ فولادی، دو-سه تا پیاله‌ی چای خوری، دو-سه پشقاب، یک جوهره قاشق و پنجه و دستپاکی پهلوی هم‌دیگر در تاقچه‌ی بالای سر بستر بیمار قرار دارند، کتابهایی که معلوم می‌شود کهنه است و عمری از آنها گذشته روی میز چوبی کوچک؛ و روی دیوار اتاق جای‌نماز و یک



ادامه مطلب ...

لحظه‌ها به سختی می‌گذرند. خستگی مفرط بی‌خوابی پیهم شب‌ها بر مرد بیمار غلبه می‌کند تا اینکه سرانجام پلکانش روی هم می‌افتند!

اینجا در پهنای دشت، سه تن مردان سفید پوش با سر و صورت‌های پوشیده و سه تن دیگر که مشغول کندن حفره‌ی بی‌اندازه‌ی تقریبی یکی در دومتر و درکناری دیگر، صندوق چوبی پوش شده از جنسی شبیه پلاستک، سر صندوق بسته؛ و در این نقطه چه خبر است؟ هنوز روشن نیست!

مرد یادش می‌آید که چگونه صبح‌های زود، پیشتر از دیگران، زودتر از اهالی محل از خوابش می‌خیزد. نخست وضویی می‌کند و بعد نمازش را می‌خواند و متعاقب آن قرآن قدیمی با خط درشت خود را باز می‌کند و از جایی که نشانی کرده، بلند می‌خواند و وقتی از خواندن فارغ می‌شود، گیلان چایی با شکر و پارچه نانی خانگی را با مزه، مزه، اما به عجله می‌بلعد و باز لباسش را به تن می‌کند، بکس مکتبش را می‌بندد تا از کتاب‌هایش مطمئن شود که هستند و آنگاه به سراغ بایسکلش رفته با صافی که مخصوص این کار است نخست دستی بر سر و صورت می‌کشد و سپس تپی بر زین بایسکل می‌زند و رو به خامش صدا می‌کند: «به الهام بگو گل‌دان‌ها را او دهد که خشک می‌شوند.» و تا می‌خواهد بایسکلش را

از سر پایه‌ی آن پایین کند دوباره صدایش از صحن کوچک خانه به گوش میرسد که می‌گوید: «امید درسپایش را قبل از رفتن بخواند!»

خانم فکر می‌کند که شوهرش دیگر رفته است؛ ولی متوجه می‌شود که باز صدای او می‌آید که اضافه می‌کند: «نازنین سه‌تکه و پتلون مرا بشوید، که خیلی وقت شد شسته نشده، مه رفتم، خداحافظ شما.»

استاد سرانجام همانند هر روز دیگر به راه می‌افتد و روانه‌ی مکتب می‌شود، مکتبی که چند سال شد در آن مضمون‌های مختلف صنف‌های دهم تا دوازدهم را درس می‌دهد و در این میان مضمون ادبیات دری را با علاقمندی منحصر بفرشد تدریس می‌کند.

یادش می‌آید که چگونه فاصله‌ی خانه تا مکتب را با بایسکل قدیمی و کار آزموده‌ی خود می‌رود و می‌رود و در تمام مسیر راه چگونه به هر کی که می‌رسد سلامی و صبح به خیری گفته به راهش ادامه می‌دهد. عده‌ی هم با تکان دست از کنار استاد رد می‌شوند و سلام و ادبی تقدیم او می‌کنند.

بعد دروازه‌ی مکتب پیش چشمان استاد مجسم می‌گردد و نگاه می‌کند که چه خوب و منظم شاگردانش صف بسته‌اند و یک، یکی وارد مکتب می‌شوند.

آن‌سوی دیگر صحن مکتب، درختان تنومند ناجو و بیدهای لیلی مجنون با وزش باد

از سر پایه‌ی آن پایین کند دوباره صدایش از صحن کوچک خانه به گوش میرسد که می‌گوید: «امید درسپایش را قبل از رفتن بخواند!»

خانم فکر می‌کند که شوهرش دیگر رفته است؛ ولی متوجه می‌شود که باز صدای او می‌آید که اضافه می‌کند: «نازنین سه‌تکه و پتلون مرا بشوید، که خیلی وقت شد شسته نشده، مه رفتم، خداحافظ شما.»

استاد سرانجام همانند هر روز دیگر به راه می‌افتد و روانه‌ی مکتب می‌شود، مکتبی که چند سال شد در آن مضمون‌های مختلف صنف‌های دهم تا دوازدهم را درس می‌دهد و در این میان مضمون ادبیات دری را با علاقمندی منحصر بفرشد تدریس می‌کند.

یادش می‌آید که چگونه فاصله‌ی خانه تا مکتب را با بایسکل قدیمی و کار آزموده‌ی خود می‌رود و می‌رود و در تمام مسیر راه چگونه به هر کی که می‌رسد سلامی و صبح به خیری گفته به راهش ادامه می‌دهد.

عده‌ی هم با تکان دست از کنار استاد رد می‌شوند و سلام و ادبی تقدیم او می‌کنند.

بعد دروازه‌ی مکتب پیش چشمان استاد مجسم می‌گردد و نگاه می‌کند که چه خوب و منظم شاگردانش صف بسته‌اند و یک، یکی وارد مکتب می‌شوند.

آن‌سوی دیگر صحن مکتب، درختان تنومند ناجو و بیدهای لیلی مجنون با وزش باد

از سر پایه‌ی آن پایین کند دوباره صدایش از صحن کوچک خانه به گوش میرسد که می‌گوید: «امید درسپایش را قبل از رفتن بخواند!»

خانم فکر می‌کند که شوهرش دیگر رفته است؛ ولی متوجه می‌شود که باز صدای او می‌آید که اضافه می‌کند: «نازنین سه‌تکه و پتلون مرا بشوید، که خیلی وقت شد شسته نشده، مه رفتم، خداحافظ شما.»

استاد سرانجام همانند هر روز دیگر به راه می‌افتد و روانه‌ی مکتب می‌شود، مکتبی که چند سال شد در آن مضمون‌های مختلف صنف‌های دهم تا دوازدهم را درس می‌دهد و در این میان مضمون ادبیات دری را با علاقمندی منحصر بفرشد تدریس می‌کند.

یادش می‌آید که چگونه فاصله‌ی خانه تا مکتب را با بایسکل قدیمی و کار آزموده‌ی خود می‌رود و می‌رود و در تمام مسیر راه چگونه به هر کی که می‌رسد سلامی و صبح به خیری گفته به راهش ادامه می‌دهد.

عده‌ی هم با تکان دست از کنار استاد رد می‌شوند و سلام و ادبی تقدیم او می‌کنند.

بعد دروازه‌ی مکتب پیش چشمان استاد مجسم می‌گردد و نگاه می‌کند که چه خوب و منظم شاگردانش صف بسته‌اند و یک، یکی وارد مکتب می‌شوند.

ملازم بهاری بیچ و تاب می‌خورند، چنان که فکر می‌کند آنها می‌رقصند؛ ولی نمی‌شکنند. کُردهای گل و بته‌های صحن مکتب نیز یادش می‌آید که خود در شروع هر سال در تزیین آنها پیشقدم می‌شد، همه‌چیز از پیش چشمانش رژه می‌روند!

و هنوز این صحنه‌های خوش آیند را تمام ندیده که متوجه جای دیگری می‌شود و می‌بیند که مردان سفیدپوشی یکجا باهم صندوقی را از بلندای سر حفره به زیر می‌اندازند. صدای افتادن صندوق را هم به وضوح می‌شنود. از جایش تکانی می‌خورد.

عرق سردی سرا پایش را فرا گرفته است. آنگاه با ترس عجیبی آواز لرزانش را بلند می‌کند: «مادر نازنین کجایی؟!» سکوت همه‌جا را در بر گرفته است.

این بار ناله‌کنان آواز می‌دهد: «الهام، امید، نازنین کجایی؟! پاسخی به گوش نمی‌رسد.

و باری دیگر فریاد نارسایی که گویی از زیر زمین بیرون می‌شود سر می‌دهد؛ اما فایده‌ی ندارد!

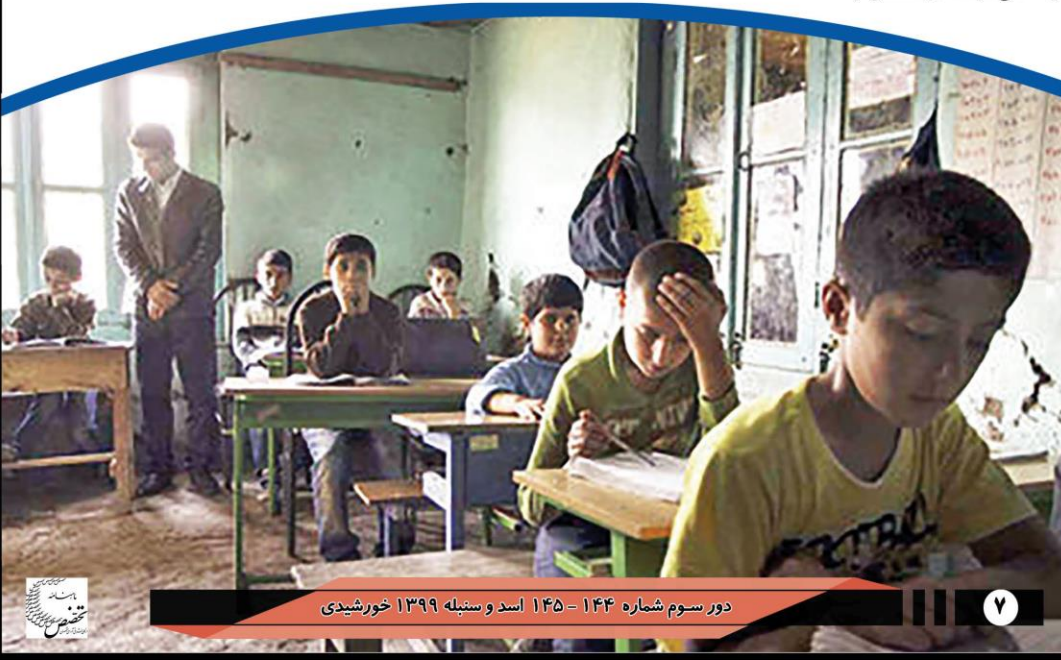
فکر می‌کند صدایش شنیده نشده است. ولی چنین نیست. همه از خانه فرار کرده او را تنها گذاشته‌اند!

آنان به کجا رفته‌اند، چرا و چگونه رفته‌اند؟

پایان

۲ جوزای سال ۱۳۹۹ مطابق ۲۲ می ۲۰۲۰ میلادی

شهر هرات / پکرت آباد



دور سوم شماره ۱۴۴ - ۱۴۵ اسد و سنبله ۱۳۹۹ خورشیدی

۷



کارگاه آموزشی

"مشارکت سیاسی"

در شورای متخصصان هرات

کارگاهی دو روزه‌ی شورای متخصصان تحت نام "مشارکت سیاسی" با توزیع تصدیق‌نامه برای ۸۰ تن از علاقه‌مندان این موضوع در شورای متخصصان برگزار شد.

اشتراک‌کنندگان، برگزاری این کارگاه‌ها را از سوی شورای متخصصان ارزشمند ارزیابی می‌کنند.

زینب سرشار از اشتراک‌کننده‌های این کارگاه بیان می‌کند، متأسفانه مشارکت سیاسی مردم در افغانستان کم‌رنگ است، برگزاری این کارگاه‌ها می‌تواند مردم به ویژه جوانان را از نقش و مشارکت‌شان در سیاست آگاه بسازد، تا در سیاست‌گذاری نقش داشته و از مداخلات بیگانه‌گان در امور کشور جلوگیری کنند.

عبدالپدرام یکی دیگر از اشتراک‌کنندگان این کارگاه است، وی می‌گوید: "اولین بار است که در کارگاه‌های آموزشی شورای متخصصان شرکت می‌کنم، و در همین یک بار آموخته‌های کسب کردم که قبلاً نمی‌دانستم. او افزود، این کارگاه نسل جوان را با مشارکت سیاسی آشنا ساخته و باعث می‌شود نقش جوانان در سیاست بیشتر شود.

با این حال، مسوولان برگزارکننده، هدف از برگزاری این کارگاه آموزشی را ارتقای ظرفیت دانشجویان در قسمت مشارکت سیاسی می‌دانند.

محمد رفیق شهپر؛ رئیس شورای متخصصان هرات بیان می‌کند که هدف از این برنامه آشنا کردن بیشتر نسل جوان با مشارکت سیاسی و شیوه‌های مشارکت سیاسی است.

این کارگاه توسط احمد ارشاد خطیبی کاندید دکتری علوم سیاسی و استاد دانشگاه/ پوهنتون تدریس شود.

با این حال، احمد ارشاد خطیبی، که این کارگاه آموزشی را تدریس کرد، بیان می‌کند که پدیده مشارکت سیاسی در افغانستان جدید است و یکی از راه‌های که می‌تواند مشارکت سیاسی در کشور را افزایش دهد، بحث اطلاع‌دهی است و خوشبختانه نهادهای مستقل در این زمینه بیشتر از دولت فعالیت کردند.

این کارگاه روز چهارشنبه، ۵ سنبله و پنج شنبه، ۶ سنبله ۱۳۹۹ در شورای متخصصان هرات برگزار شد.



صادرات قالین افغانستان ۷۰ درصد کاهش یافته است

سجاد محمدی بی بی سی

قالین از صنعت‌های قدیمی افغانستان است. صنعتی که بیشتر زنان در پشت دار آن نشستند مردم در بخش‌های مختلف افغانستان بخصوص در شمال این کشور مصروف بافندگی و تولید قالی هستند. در سال‌های اخیر قالین از مهم‌ترین کالاهای تولیدی و صادراتی افغانستان بود. در چندین نمایشگاه بین‌المللی، قالی افغانستان به گفته مسئولین جایگاه اول را از آن خود کرده بود. اکنون میزان تولید و صادرات قالی این کشور مانند گذشته نیست. شیوع کرونا و عدم حمایت درست از این صنعت قدیمی افغانستان، آنرا کم کم به رکود مواجه کرده است، شمار زیادی از قالی بافان حرفه‌ای این شغل را ترک کرده‌اند. قربانلی جمشید زاده، رئیس انجمن تولیدی و صادراتی قالی کابل می‌گوید که هشت سال قبل حدود سه میلیون نفر در چندین مرحله کار تولید قالی از گرفتن پشم گوسفند تا شست‌وشو و رنگ کردن آن، طرح و نقشه قالی، بافندگی و مراحل بعدی آن در این صنعت مصروف کار بودند اما اکنون به گفته او این رقم به حدود یک میلیون نفر کاهش یافته است. افغانستان سه شهرک صنعتی و مسکونی برای قالی بافان می‌سازد. افغانستان در چند قدمی خودکفایی در تولید لینیات حکومت افغانستان: برای هزاران مهاجر بازگشته کار ایجاد می‌کنیم. او می‌گوید تا هشت سال قبل میزان تولید قالی افغانستان در یک سال تا سه میلیون متر مربع می‌رسید و حالا این رقم به کمتر از یک میلیون متر مربع رسیده است. قالی بافان حرفه‌ای به شغل‌های دیگر روی آورده‌اند. عدم توجه کافی دولت به این صنعت قالی، ناهنجاری، نبود زیربناها و رفتن کارخانه داران و قالی بافان حرفه‌ای از افغانستان و انتقال سرمایه‌های شان به کشورهای مانند ترکیه و آسیای میانه به نظر آقای جمشید زاده دلیل رکود تولید و صنعت قالی افغانستان است. محمد موسی، یکی از قالی بافان حرفه‌ای و سابقه دار در ولسوالی آقچه ولایت جوزجان در شمال افغانستان می‌گوید که بیش از بیست سال مصروف قالی بافی بوده اما از دو سال به این سو این حرفه را ترک کرده است. او می‌گوید: "حالا یک متر قالی را از هفتصد افغانی تا دو هزار افغانی کارخانه داران به ما می‌دهد، این را که به دالر (دالر) تبادل کنیم ۱۲ دالر می‌شود، این نه خوراکی (مواد غذایی) ما می‌شود نه پوشاک ما. حالا مردم به شغل‌های همانند خیاطی و دهقانی رو آورده‌اند یا به ایران، پاکستان و ترکیه می‌روند." یکی از دلایل دیگر رکود صنعت قالی افغانستان و صادرات آن، وجود قالی‌های ماشینی است. هرچند این قالی‌ها در مقایسه با قالی‌های دست باف، دارای کیفیت پایین است، اما قیمت ارزان آن نسبت به قالی‌های دستیاف داخلی سبب شده شماری از مردم آن را ترجیح دهند. **کرونا عامل کاهش هفتاد درصدی صادرات قالی شیوع ویروس کرونا و بسته شدن مرزهای زمینی و هوایی**

میان بیشتر کشورها، تولید و صادرات قالی افغانستان را زیانمند ساخته است. غلام علی شیرزاد، از کارخانه داران قالی در کابل است. او می‌گوید با شیوع ویروس کرونا و بسته شدن مرزها، انبارهای آنان پر از قالی شده و همین دلیل سبب شده که صدها دستگاه قالی بافی خود را تعطیل کند. به گفته آقای شیرزاد در گذشته ۴۰۰ کارگاه تولید قالی در سطح شهر کابل به خانواده‌ها توزیع کرده بود که در هر کارگاه به طور متوسط ۵ نفر مصروف کار بودند. او می‌گوید اکنون شمار کارگاه‌هایش را به ۵۰ مورد کاهش داد و میزان تولیدش نیز از ۴۰۰ متر مربع قالی در ماه به



۵۰ متر رسیده است. او گفت در گذشته هر متر مربع قالی را ۷۰ دالر می‌فروخت حالا به سختی ۵۰ دالر فروخته می‌شود. رکود این صنعت در افغانستان، در کنار تاجران و کارخانه داران، کارگران قالی را که بیشتر خانواده‌ها هستند، نیز ضربه زده است. عادلہ پناهی که چند سال است با برادر و خواهرش مصروف بافندگی قالی است، می‌گوید در گذشته از بافت هر متر مربع قالی تا ۲۵۰۰ افغانی درآمد داشتند، حالا به یک هزار تا ۱۵۰۰ افغانی کاهش یافته است. رکود در شمال بیشتر است. شمال که خاستگاه قالی افغانستان محسوب می‌شود، با رکود بیشتر مواجه شده است. نوراحمد نوری، مسئول انجمن اجتماعی تولید کنندگان قالی در ولسوالی آقچه ولایت جوزجان می‌گوید: "تقریباً ۷۰ درصد شرکت‌های تولیدی فعالیت خود را کم کرده‌اند، تقریباً ۷۰ درصد تولید و صادرات کاهش یافته، در پنج ولسوالی آقچه در حدود ۱۲۰ هزار نفر بافنده است و بر اساس سروی (آرزیایی) که ما انجام دادیم تقریباً ۷۰ هزار بافنده بیکار شده‌اند." رئیس انجمن تولیدی و صادراتی قالی کابل نیز می‌گوید که در سه ماه دوم سال گذشته افغانستان ۶۰ هزار متر مربع قالی صادر کرده بود اما امسال در زمان مشابه این رقم به ۱۰ هزار متر مربع کاهش یافته است. به گفته او، سال گذشته نیز افغانستان ۷۰۰ هزار متر مربع قالی صادر کرده بود و این رقم اما در سال‌های گذشته تا سه میلیون متر مربع می‌رسید. وزارت صنعت و تجارت افغانستان می‌پذیرد که شیوع ویروس کرونا و بسته شدن مرزها روی صادرات افغانستان در بخش‌های مختلف به شمول صادرات قالی تاثیر گذاشته اما معتقد است که در چهار سال گذشته صادرات قالی افغانستان مسیر خوبی را پیموده است. جواد دبیر، رئیس اطلاعات و روابط عامه وزارت صنعت و تجارت می‌گوید که این وزارت برای حمایت از صنعت قالی برنامه دارد: از جمله ایجاد چهار پارک صنعتی برای قالی بافان اکنون زیر کار است و همچنان همکاری‌های فنی با آنان انجام خواهد شد. به دلیل نبود زیرساخت‌ها و امکانات، هم اکنون به گفته اتحادیه قالی بافان بیش از هشتاد درصد قالی‌های افغانستان به پاکستان صادر می‌شود و پس از پروسس (پرداخت و غبارگیری) در آنجا به نام پاکستان به بازارهای جهانی صادر می‌شود. صادرکنندگان قالی خواهان ایجاد سهولت در صادرات قالی از راه دهلیز هوایی، فراهم کردن زمینه پروسس قالی در داخل افغانستان، ایجاد شهرک‌های صنعتی و فراهم ساختن وام‌های بلند مدت با شرایط آسان از طرف دولت هستند. قالی بافان می‌گویند اگر در زمینه احیاء و حل مشکلات قالی افغانستان توجه نشود، این صنعت پرنام و نشان افغانستان با گذشت زمان جایگاه خود را از دست خواهد داد.





سحر رحیمی بین جین سن

شمسیه یک سال برای آمادگی کنکور تلویزیون ندیده، تا آمد پیند اسم و عکس خودش بود

برنامه‌هایی که داشتیم را پیش خودم خواندم و پیش بردم تا جایی که توانستم. از بعضی برنامه‌ها هم عقب ماندم. اگر زندگی با شمسیه یار بماند او تا چند سال دیگر پزشکی خواهد شد. رشته‌ای که جذابیتهایش برای او در کمک یک انسان به هم نوعش بدون در نظر داشت قوم و نژاد و تبعیض است. او می‌گوید: "از صنف/کلاس نهم بود که تصمیم گرفتم یک داکتر/پزشک خوب شوم. یکی از جذابیتهای دکتر بودن برایم این است که یک دکتر باعث نجات جان انسان‌ها می‌شود آن هم بدون در نظر داشت اینکه طرف مقابلش از کدام نژاد است و بدون هیچ نوع تعصبی به زنده بودن و نفس انسان احترام دارد و برای نجات جانش کوشش می‌کند."

آرزوهای بزرگ‌تری هم در سر دارد. شمسیه در کنار پزشکی به سیاست هم علاقه دارد و می‌گوید تلاش می‌کند شایسته ریاست جمهوری افغانستان شود و از این راه به کشورش خدمت کند. با دست آوردن رتبه اول کنکور دولت زمینه تحصیل او در خارج از کشور را نیز فراهم کرده است. می‌گوید دوست دارد در خارج از کشور تحصیل اما پس از پایان دوره تحصیلی دوباره برگردد و به افغانستان خدمت کند. حالا که گفتگوهای صلح میان دولت و گروه طالبان در دوحه پایتخت قطر نیز جریان دارد شمسیه امیدوار است که در این مذاکرات حقوق و دستاوردهای زنان نیز در نظر گرفته شود.

کنکور امسال افغانستان به دلیل شیوع کرونا با تاخیر چندماهه برگزار شد. در این دور از کنکور حدود ۲۰۰ هزار نفر شرکت کردند که از این میان بیش از ۹۸ درصد موفق شدند تا به دانشگاه‌های دولتی و خصوصی راه یابند.

بر اساس اطلاعات اداره ملی امتحانات افغانستان از میان حدود ۱۷۳ هزار شرکت کننده در این آزمون بیش از ۶۶ هزار به مراکز آموزش عالی، بیش از ۱۵ هزار به مراکز آموزش نیمه عالی، ۸۸ هزار نیز به مراکز آموزش عالی خصوصی راه یافته‌اند.

صفحه تلویزیون بود..."

پدرش در معدن زغال سنگ در سمنگان کارگر است. منطقه‌ای که فعالیت شبکه‌های مخابراتی در آن اکثر اوقات دچار مشکل تکنیکی/مشکل فنی است. او دیروز هم هنگامی که با رسانه‌ها مصاحبه می‌کرد هر از گاهی که نام پدرش در میان می‌آمد اشک می‌ریخت. هیجان شریک ساختن این موفقیت با پدری حامی و یوسین دست‌های پینه بسته او امان از شمسیه گرفته بود. به من گفت اقوامش هم در تلاش بودند تا خبر را دست به دست کرده و به گوش پدرش برسانند که حوالی هشت دیشب موفق به تماس با پدرش شد.

"پدرم به قدری خوشحال بود که به گفته خودش احساسی که داشت را در کلمات نمی‌توانست بیان کند. برایم گفت همیشه برای چنین روزی دعا می‌کرده."

موفقیت یک زن در جامعه مردسالار افغانستان از یک سو و از سویی دیگر به دلیل اینکه شمسیه دانش‌آموز آموزشگاهی در غرب کابل بود که دو سال قبل مورد حمله داعش قرار گرفت، هم‌همه این پیروزی را بلندتر کرد.

دو سال قبل حمله انتحاری در داخل مرکز آموزشی "مهدی موعود" جایی که شمسیه در آن آنجا درس می‌خواند دستکم ۴۸ کشته و دانش‌آموز ۶۷ زخمی برجا گذاشت. هرچند شمسیه می‌گوید در روز حمله به آموزشگاه نرفته بود و انفجار هم در کلاس درسی او رخ نداده اما یادآوری مرگ همسن و سالانش آن هم در راه آموزش برای او ترازوی بزرگی بوده است.

شمسیه در خانواده‌ای با سطح اقتصاد نسبتاً ضعیف به دنیا آمده و بزرگ شده است. به گفته او شماری از آرمان‌هایش که باز هم به آموختن گره خورده بودند از چارچوب آرزو به مسیر تحقق نرسیدند. او با صدایی لرزان از شادی به من گفت: بسیاری از برنامه‌های آموزشی که می‌خواستیم پیش ببریم هزینه بالایی داشتند و به دلیل وضعیت اقتصادی که داشتیم کنسل/لغو شدن. به همین خاطر خیلی از

فرزند مردی که کیلومترها آن طرف‌تر در شمال افغانستان کارگر معدن زغال سنگ سمنگان است با حلقه اشکی در گوشه چشمش می‌گوید "پدرم به موبایل دسترسی نداشت و ساعت‌ها بعد از اعلام نتیجه کنکور از اینکه رتبه اول شدم خردار شد."

شمسیه علی‌زاده، رتبه اول کنکور سال ۱۳۹۹ افغانستان از روزی که نتایج این آزمون اعلام شد، سرخط خبرها و رسانه‌های اجتماعی در افغانستان شده است. او ۱۸ سال دارد و کودک دوران جنگ است. نسل سوخته‌ای که همه عمرشان را در روز و شب‌های خونین گذرانده‌اند.

شمسیه در ولسوالی جاعوری ولایت غزنی به دنیا آمده و مکتب را در کابل به پایان رسانده است.

او از میان حدود ۲۰۰ هزار شرکت کننده در آزمون کنکور رتبه اول را به دست آورده و با گرفتن بیش از ۲۵۳ نمره به دانشگاه پزشکی کابل و رشته‌ای که رویای فراگیری آن را دارد راه یافته است. او می‌گوید تنها یک دوره آمادگی کنکور را در سال پایانی مکتب/مدرسه فراگرفته و پیش از آن نیز کلاس‌هایی را در مراکز آموزشی دنبال کرده است.

شمسیه می‌گوید تمام این یکسال شبانه روز تنها چهار ساعت خوابیده و ۲۰ ساعت دیگر را مشغول درس و آمادگی برای کنکور بوده است.

شمسیه که تمام یکسال گذشته را برای تمرکز بیشتر روی کنکور تلویزیون تماشا نکرده بود حالا دیگر نتیجه این آزمون را بخش مستقیم از پرده تلویزیون نگاه می‌کند.

نتایج کنکور امسال افغانستان در مراسمی ویژه و از طریق تلویزیون‌های افغانستان بخش مستقیم اعلام شد. شمارش معکوس؛ رتبه دهم، نه، هشت... و چشم‌های مادر شمسیه که با هیجان زیادی سمت صفحه تلویزیون قفل شده. در لحظه‌ای از ثانیه عکس و سپس نام شمسیه روی پرده ظاهر می‌شود. رتبه اول کنکور!

"در اتاق نبودم. مادرم بلند صدایم زد و گفت اول نمره کنکور شده‌ای. اول فکر کردم شوخی می‌کند اما وقتی داخل اتاق شدم، عکسم روی



نور احمد کریمی، فردیکه پراک فرهنگ هرات صادقانه کار کرد



در سایت مجله دوربین بیوگرافی استاد نور احمد کریمی اینگونه بیان شده است.

نور احمد کریمی از روزنامه نگارانی است که از رشته ادبیات دری پوهنتون هرات فارغ التحصیل شده است. او از نوجوانی کار مطبوعات را به عنوان همکار قلمی در روزنامه اتفاق اسلام و ماهنامه هفت قلم آغاز کرده است.

واقعینانه در بخش‌های ادبی، فرهنگی، هنری و اجتماعی، اقدام به تأسیس وب سایت دوربین به عنوان دانشنامه معلوماتی ولایت هرات، نمود. استاد نور احمد کریمی در ۲۳ سنبله سال جاری به دنبال سکتة قلبی در گذشت.

براساس فیصله جلسه اداری ریاست اطلاعات و فرهنگ هرات، تالار مطبوعات این اداره به پاس خدمات و فعالیت‌های ماندگار فرهنگی و مطبوعاتی مرحوم کریمی به نام "تالار مطبوعاتی نور احمد کریمی" مسمی گردید.

پیکر استاد نور احمد کریمی در گازرگاه شریف به خاک سپرده شد.

مجله، اولین نمایشگاه صد سال با مطبوعات در هرات راه اندازی گردید و علاوه بر آن برنامه‌های شب شعر، محافل نقد فیلم و رونمایی کتب با حضور جمع کثیری از فرهنگیان و هنرمندان این شهر و دیار در دفتر این مجله، روی دست گرفته شد.

فعالیت‌هایی از این قبیل، کریمی و سایر همکاران را به ایجاد ارتباط نزدیکتر با فرهنگیان و هنرمندان کشور، علاقه‌مند نمود. تا اینکه فرهنگسرای دوربین ایجاد شد.

در سال ۱۳۹۴ به ریاست اطلاعات و فرهنگ ولایت هرات رفت و امریت اطلاعات آن ریاست را برعهده گرفت. به دلیل نیاز مبرم به ارایه معلومات



کریمی کار رسمی مطبوعاتی را از سال ۱۳۸۳ با مجله دوربین شروع نمود. سپس ماهنامه «ره آورد آزادی» را در چوکات کانون سینماگران جوان هرات راه اندازی نمود. پس از توقف این ماهنامه، به احیای دوباره‌ی دوربین همت گماشت. در سال ۱۳۹۲، در کنار چاپ این



موسی موحد مشهور به پیکاسو :

"من خودم هستم نه پیکاسو"

ترتیب دهند: شبانه کنجی



خانه مان گذاشته شده بود. دوست داشتم آن تصویر واضح تر و بزرگتر ببینم. با آن که چیزی از قوانین نقاشی نمی‌دانستم شروع به ترسیم آن تصویر کردم.

وقتی هرات آمدم برای زنده‌گی، در اولین فرصت خودم را به صنوف آموزشی نقاشی و طراحی ثبت نام کردم و ادامه دادم به حدی که خودم شروع به تدریس این هنر در مکتب و نهاد های آموزشی نمودم.

پرسش: چند مدت می‌شود که نقاشی می‌کنید؟
کار نقاشی را به صورت جدی از داوران مکتب صنف هفت شروع کردم و بسیار زود قوانین و اصول نقاشی را یاد گرفتم.

میشه گفت که حدود ده سال می‌شود از عشق به نقاشی کردنم.

پرسش: به کدام سبک نقاشی علاقه دارید؟

اکنون به سبک‌های پریال (فرا تر از واقعیت) کار می‌کنم، اما بیشتر نقاشی‌هایم پیروی از دو سبک ریال (واقع گرایمی) و های پریال (فرا تر از واقعیت) می‌کند.

پرسش: چه چیزو کدام زمان شما را به نقاشی وا می‌دارد؟

نمی‌توانم چیز خاصی را برای وادار کردنم به نقاشی نام ببرم زیرا این وابسته به احساس درونی من است. به اصطلاح عام هر موقع که عشقم بکشد دست به قلم می‌شوم. اما در زمان نقاشی کردن دوست دارم تنها باشم یعنی خودم باشم و رنگ ها و بوم نقاشی‌ام فضا عاری از هر گونه سروصدا و وجود آدمی باید باشد.

پرسش: بعضی‌ها به شما پیکاسو می‌گویند، آیا شما هم این مقوله را قبول دارید؟

صبح زود بود من از روز قبل وقت ملاقات گذاشتم با موسی موحد (پیکاسو) وقتی وارد دانشگاه شدم موسی از دور برای استقبال من برخاست. با هر لحظه نزدیک شدن بهتر می‌توانستم صورت و ظاهرش را تشخیص دهم. او موهایی چنگ چنگی، پوست گندمی گون قامت بلند و جنه‌ی نسبتاً لاغر داشت و هیچ شباهتی به پیکاسو نداشت.

با سلام و صبح بخیری همراه موسی راه افتادیم به سمت دوتا صندلی که او در سایبان چند درخت سرو برای نشستن انتخاب کرده بود.

موسی موحد که بعضاً او را پیکاسو می‌نامد، دانشجوی ژورنالیزم هست که از ۱۰ سال بدین سو نقاشی می‌کند، با وی گفتگوی ترتیب دادم. در متن زیر خواننده باشید!

پرسش: موسی موحد یا پیکاسوی هراتی که است؟

در فصل زیبایی برگ ریزان حدود ۲۲ سال قبل از امروز در یکی از کوه پایه‌های بابا و کناره‌ی دریای هریرود در ولایت غور چشم به دنیا باز کردم. ۱۱ عقرب سال ۱۳۷۷ تاریخ دقیق تولد من است. او خود را ببر رای من چنین معرفی کرد. اکنون هم دانشجوی ژورنالیزم در دانشگاه هرات هستم.

پرسش: چه چیزی شما را به طرف نقاشی کشاند؟

وقتی که شش، هفت ساله بودم چیزی که باعث شد من به استعداد نقاشی‌ام پی ببرم، عکس کوچک مامایم در که کنار آئینه‌ی اتاق نشیمن

ادامه مطلب در صفحه بعد



دور سوم شماره ۱۴۴ - ۱۴۵ اسد و سنبله ۱۳۹۹ خورشیدی

۱۲

ادامه مطلب . . .

با اینکه لیخندی کوچکی کنار لبش نشست اینگونه پاسخ داد، من از لحاظ سبک و چهره با پیکاسو هیچ شباهتی ندارم، بنابراین این مقوله هم برای من قابل پذیرش نیست.

سبک نقاشی من ساده است مخاطب را سردرگم نمی کند.

اما این که چرا به تخلص و یا لقب پیکاسو یاد می شوم در سال ۹۲ در یک محفلی به مناسبت جشن نوروز بود از من خواستند تا یک نقاشی زنده کار کنم و این نقاشی را به مدت ده دقیقه کشیدم. و از آن زمان به بعد به من پیکاسو می گویند.

پرسش: بیشتر به ژورنالیزم علاقه مند هستی یا نقاشی؟

باید برای تان خاطر نشان کنم که هر دو هم نقاشی و هم ژورنالیزم را دوست دارم. قبل از این که وارد دانشکده‌ی ژورنالیزم شوم دید دقیق و حس کنجکاوی خاصی را نسبت به جامعه نداشتیم. ژورنالیزم باعث شد تا من عمیق تر و انتقادی تر به جامعه نگاه کنم و این دید دقیق نقاشی هایم را نیز متأثر کرد.

ژورنالیزم برایم یاد داد تا نباید از واقعیت ها فرار کنیم، بل برایم فهماند تا واقعیت ها را برای مردم برسانیم همین بود که مرا وادار کرد به سبک های پریال روی آورم.

تعریف شما از نقاشی چیست؟ با توجه به اینکه کار سختی است.

تعریف کردن هنر در یک جمله کار سختی است یعنی والاتر از توان من است. چون نقاشی یک هنر است و هنر درختی است که در دل زمین ریشه دوانده، همین طور نقاشی هم در وجود من ریشه دوانده است. باید بگویم که نقاشی یک رسالت و یا یک حس درونی توام با استعداد و علاقه است. که مخاطب با دیدن آن چیزی برای گفتن نداشته باشد.

پرسش: چند اثر دارید؟

من در حدود یک دهه که به هنر نقاشی روی آورده ام اثر های نقاشی های زیادی کشیده ام، اما اثر های که به دل خودم نشست



نقاشی های است که به سبک های پریال کشیدم و در حدود ده اثر ارزنده می باشد.

پرسش: بهترین تابلوی که دوست دارید کدام است

و چه پیامی را می رساند؟ اگر از واقعیت نگذرم من تمام کار هایم را دوست دارم.

ولی در قسمت پیام و بهترین نقاشی باید بگویم که نقاشی های اخیر که به سبک های پریال کشیدم را خیلی دوست دارم چون این نقاشی ها مرز میان واقعیت تصویر و تابلوی رسامی شده را برمی دارد. همه پیام شان مشکلات و درد و رنج جامعه‌ی افغانستانی است.

چه کسی شما را به هنر تشویق کرده است؟ هیچ کس من را در قسمت نقاشی کردن و هنر تشویق نکرد. من همیشه خودم بودم متکی به خودم و فقط خودم.

و چیزی هم که باعث شد این راه را ادامه بدهم تلاش های خستگی ناپذیر خودم بوده با این که هنر در افغانستان جایگاه آنچنانی ندارد و نقاشی هیچ چیز مانع برگشتنم از این راه نشد.

پرسش: آیا مردم و دولت از هنر حمایت می کنند؟ خواسته‌ی تان از این دو چیست؟

من نمی توانم از دولت و مردم انتظار داشته باشم که بیابند هنر و نقاشی را بپذیرند و ترویج دهند، ولی من به عنوان ترویج دهنده، تلاش می کنم تا این هنر را در جامعه ترویج دهم.

پرسش: پیام تان برای مخاطبان تخصصی چیست؟

پیام من این است که مبارزه کنند با تمام بی توجهی ها مشکلات و هیچ گاه دست از تلاش برندارند.

و دست از تلاش هیچ گاه برندارند تا یک روز پدیده‌ی بنام هنر را برای مردم به صورت درست آن تعریف نمایند تا همه بی برند به زیبایی این رشته. هر چندی که نگاهها نامهربان است به هنر و در اخیر باید بگویم که هم چنان در قسمت هنر مستقل باشند نه وابسته.

پرسش: پلان تان در آینده نزدیک چیست؟ برگزاری نمایشگاهی که در آن می خواهم فقط تابلوهای که به سبک های پریال کشیدم را به نمایش بگذارم.



سرخکان یا Measle یا خلتیر

نویسنده: الحاج رحهوریار، دکتر عبدالظاهر اوبهی

مریضی معمول و شدید دوره طفولیت که با اندفاعات جلدی و غشای مخاطی همراه است. اگر چه ایمونایزیشن واقیات مرض را کاهش داده باز هم سرخکان سبب مرگ ۱۴۰۰۰۰ طفل در سال ۲۰۱۵ گردیده است.

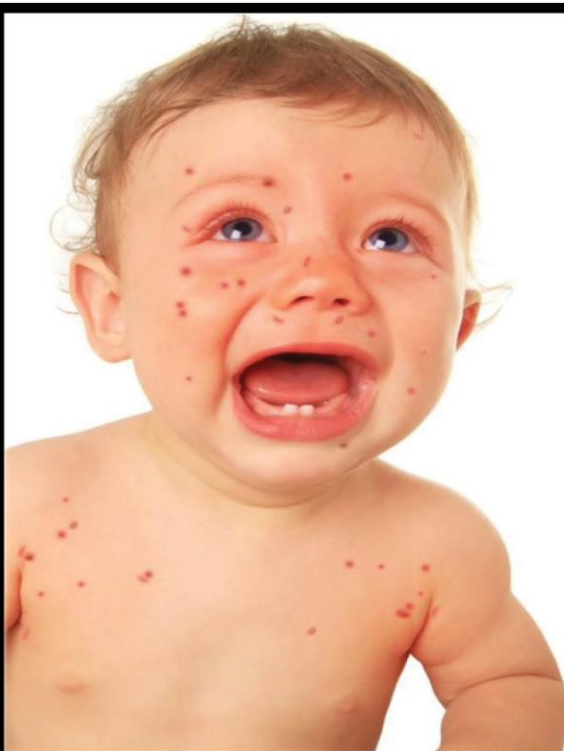
ایتیوپونوجنیز یا تاسس مرض:

سرخکان به وسیله ویروس RNA که به فامیل Paramyxovirus متعلق است به وجود می‌آید. ویروس به وسیله قطراتی که از افرازات بینی و گلو در چهار روز قبل و پنج روز بعد از بوجود آمدن راش‌های جلدی منتشر می‌شود، انتقال می‌یابد. مریضی خطر بلند سرایت را در افراد یک خانواده تا حدود ۹۰ فیصد را دارد. باب دخولی ویروس، طرق تنفسی بوده و در اپیتلیوم طرق تنفسی تأثیر نموده و وایریمی ابتدایی را بوجود می‌آورد که بعداً در سیستم ریتیکولواندوتیلیوم تکثیر و سبب وایریمی ثانوی گردیده که منتج به اعراض ثانوی می‌گردد. دوره تفریح مرض ده روز است.

تظاهرات کلینیکی

مریضی در اطفال سنین قبل از مکتب معمول است. شیرخواران به وسیله انتقال انتی بادی از پلاسنتا مصئون می‌باشند و به سن نه ماهگی انتی بادی کاهش می‌یابد که از این رو سن تطبیق واکسین سرخکان نه ماهگی است. صفحه مخیره سرخکان متصف است با تب، آبریزش بینی، سرخی منضمه چشم و سرفه‌های خشک. علامت مشخصه این صفحه موجودیت Koplic Spote در روز دوم و سوم مریضی است که به صورت دانه‌های خاکی یا سفید که با سرخی اطراف آنها محدود است در مقابل دندان‌های مولر دوم در داخل رخسار مخاطی ملاحظه می‌شوند. راش‌های جلدی از روز چهارم مریضی همراه با بلند رفتن تب به وجود آمده که به صورت مکول‌های سرخ در عقب گوش‌ها در امتداد خط موی‌ها و خلف رخسار که این راش‌ها به سرعت ماکولوپمور شده و به وجه، گردن، صدر، بازوها، تنه، ران‌ها و پاها منتشر می‌شود. این سیر راش‌ها، دو تا سه روز را دربر می‌گیرد که بعد از آن شروع به از بین رفتن نموده، به عین صورتی که قبلاً به وجود آمده بود و تفلسات نقره‌ای را به وجود آورده که بعداً لکه‌های نضوری در مدت ده روز آینده بجا می‌گذارد.

شکل Modified Measle در افرادی که قسمی معافیت دارند، دیده



می‌شود که مریضی خفیف‌تر و کوتاه تر است Hemorrhagic Measle. متصف با راش‌های پورپوریک و خونریزی از دهن بینی و امعاء است.

اختلاطات:

خسارت‌های وسیع غشای مخاطی و معافیت پایین سبب به وجود آمدن اختلاطات در مریضان سرخکان می‌گردد و اختلاطات زیادتر در اطفال کوچک، سوء تغذی و معافیت پایین دیده می‌شود.

اختلاطات عمده شامل Otitis Media و برانکوپنومونی باکتریایی است که پتوجن‌های معمول آنها پنوموکوک، استافیلوکوک اوریوس و بعضی اوقات باکتری‌های گرم منفی می‌باشد. دیگر اختلاطات تنفسی شامل لرنجیت، تراخیت، برونشیت، پنومونی، برانشکتازی و شعله ور شدن انتان مخفی توبرکلوز است. به تعقیب سرخکان به صورت گذری که فرط حساسیت توبرکولین از بین می‌رود معمول است. اختلاطات معدی معای سرخکان شامل اسهال معند، اپندیسیت، هیاتیت و ایلیوکولیت است. سرخکان سبب سوء تغذی و Noma یا گانگرن غشای مخاطی رخسار می‌گردد Acute Encephalitic. یک یا دو واقعه فی هزار واقعه سرخکان بوجود آمده که در زمان موجودیت راش‌ها در اثر هجوم مستقیم ویروس بالای مغز به وجود می‌آید. Post Measle Encephalitis بعد از بهبودی سرخکان بوجود می‌آید و عقیده بر آن است که مکانیزم معافیته باشد. سرخکان مسؤل شکل کشنده Subacute Sclerosing Panencephalitis است و چندین سال بعد از سرخکان به تعداد ۱/۱۰۰۰۰۰ واقعه بوجود می‌آید.

ادامه مطالب در شماره بعد



دور سوم شماره ۱۴۴ - ۱۴۵ اسد و سنبله ۱۳۹۹ خورشیدی

۱۴



انگانه مطلب ۰۰۰

تشخیص:

تشخیص کلینیکی است و منظره وصفی دارد و با تعیین کردن سویه Igm Antimeasle Antibody تثبیت می‌گردد که سه روز بعد از راش بوجود آمده و تا یک ماه دوام می‌کند.

تشخیص تفریقی:

با دیگر امراض Exanthematous تفریقی می‌گردد، مانند: Rubella، انتانات Enterovirus، Adenovirus، Roseola، Infantum، انتانات Rickettsial، مینتوکوکسیمی، Drug Rashes، Kawazaki، Disease.

تداوی سرخکان:

تغذیوی و محافظه کارانه است و شامل انتی پیریتیک، نگهداری حفظ‌الصحه، گرفتن مایعات و کالوری کافی و هوای مرطوب است. ویتامین A وقوعات و اقیات را کاهش می‌دهد به طوری که برای طفل کمتر از یک سال ۱۰۰۰ Unit و اضافه تر از یک سال ۲۰۰۰ Unit به صورت تک دوز توصیه می‌شود. اهتمامات مناسب به اختلاطات سرخکان نیز گرفته شود.

وقایه:

سرخکان مریضی قابل وقایه و ریشه کنی از طریق ایمونیزیشن است. واکسین سرخکان از

واکسین سرخکان ممکن سبب تب یا ماکول راش گذری بعد از ۱۲_۷ روز گردد.

مضاد استطباب تطبیق واکسین:

معافیت پایین، سرطان و افرادی که جدیداً محصولات خونی که ایمونوگلوبولین نزد آنها تطبیق شده باشد. دو دوز واکسین سرخکان در ۹m_۱۲ و ۱۵m_۲۴m پروگرام معافیت ملی به MR Vaccin عوض می‌شود. پروگرام وسیع ملی سرخکان و روبلا (صادر شده در فیبروی ۲۰۱۷) که یک دوز واکسین در تمام اطفال ۹m تا ۱۵ ساله داده می‌شود صرف نظر از حالت ایمونایزیشن آنها، در صورت واقعات عمده کله چرک، IAP تطبیق MMR را به عوض MR در ۹m و ۱۶_۲۴ ماهگی توصیه می‌کند. توصیه ایمونوگلوبولین در افرادی که در طی شش روز قبلی خویش تماس داشته اند و معافیت پایین را خطر آن را دارند و شیرخواران ۶m_۱۲m توصیه می‌کند.

(Passive Immunization)

اطفالی که ایمونیزیشن نشده‌اند و از ۱۲m سن بیشتر دارند و به تماس مریضان سرخکان باشند واکسین Measle و یا MMR در طی ۷۲h اخیر که تماس داشته‌اند باید بگیرند.

منابع:

PEDIATRIC GHAI
TEXTBOOK OF NELSON

edmonston_zagreb strain مشتق شده و به شکل مستحضر monovalent در دسترس است یا همراه روبلا (MR) کله چرک (MMR) و ابله مرغان (MMR_V). پاسخ حجروی و هومورل هر دو تثبیت شده است. شیرخواران تا سن شش تا نه ماهگی به وسیله انتی بادی مادر محافظت شده‌اند. تطبیق واکسین در نه ماهگی در ممالک اندیمیک برای محافظت ابتدایی توصیه می‌شود. هر چند مداخله انتی بادی مادر سبب Primary vaccin failure می‌گردد که باید تطبیق روز دومی واکسین در پانزده ماهگی صورت گردد. در اثنای شروع مریضی واکسین تا سن شش ماهگی نیز داده می‌شود که دوز تکراری آن در سن ۱۲_۱۵ ماهگی می‌باشد. هر روز واکسین دارای حداقل ۱۰۰۰ infective unit است. واکسین سرخکان بعد از مخلوط کردن به سرعت قوت آن از بین رفته قسمی که بعد از آمادگی واکسین در صورتی که استعمال نگردد بعد از چهار تا شش ساعت تخریب شده، دور انداخته و حذف شود زیرا که آلودگی آن سبب staphylococcal sepsis و toxic shoke syndrom می‌گردد. واکسین سرخکان به مقدار ۰.۵ ml به صورت تحت‌الجلدی در علوی بازوی راست ناحیه deltoid و یا در قدامی جنبی ران تطبیق می‌گردد.





کارگاه آموزشی

"بررسی عوامل تاریخی و فرهنگی انزوای سیاسی هرات" در شورای متخصصان هرات

کارگاهی را تحت نام " بررسی عوامل تاریخی و فرهنگی انزوای سیاسی هرات " که در شورای متخصصان دایر شده بود با توزیع تصدیق نامه برای بیش از پنجاه تن پایان یافت.

سید محمد فقیری استاد پوهنتون/ دانشگاه که مسوولیت تدریس این کارگاه آموزشی را به دوش داشت بیان کرد، هرات با آنکه از لحاظ نفوس و در آمد اقتصادی از جمله شهرهای عمده افغانستان است، اما نقش چندانی در سیاست افغانستان ندارد و این باعث شده است که مردم هرات نگاه بد بینانه توأم با سرخوردگی به مرکز داشته باشند.

آقای فقیری بیان می کند، باید گروه های سیاسی در هرات به انسجام سیاسی دست پیدا کرده و از ابزارهای فشار برای سهم در سیاست افغانستان استفاده کنند و اگر این روند عدم توجه دولت به مشارکت سیاسی مردم افغانستان ادامه پیدا کند، باعث می شود که گروه های مخالف مسلح از بین مردم برای اهدافشان سربازگیری کنند. در همین حال، تعدادی از دانشجویان از برگزاری این برنامه ابراز خرسندی کرده و می گویند که برگزاری این چنین برنامه ها در حوزه ی سیاست می تواند که مشارکت مردم را در سیاست پُر رنگ بسازد.

مریم رضایی از اشتراک کنندگان این کارگاه گفت، کارگاه های آموزشی در حوزه ی علوم سیاسی در هرات کم هستند. عدم آگاهی مردم، باعث شده که مردم هرات کمتر در سیاست اشتراک داشته باشند.

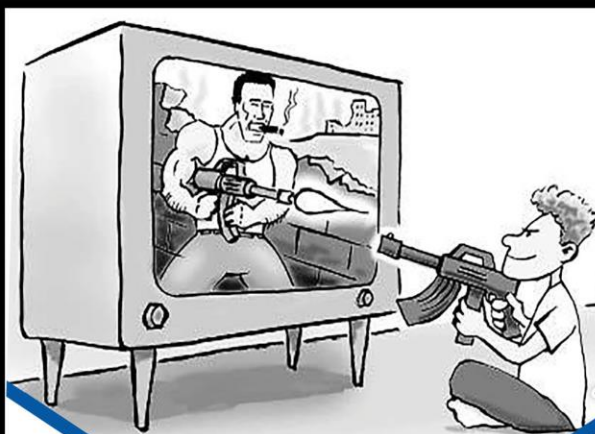
در این کارگاه در مورد این موضوعات بحث شد: جایگاه هرات در سیاست پس از افول حکومت تیموریان، مهاجرت نخبه گان، جایگاه اسطوره ها در کنش های اجتماعی مردم هرات؛ تأثیر جایگاه اقتصادی هرات در انزوای سیاسی آن، تأثیر جغرافیه هرات بر انزوای سیاسی آن، خلقیات مردم هرات، تنوع قومی در هرات، جایگاه هرات در سیاست افغانستان پس از کنفرانس بن، منطق سیاست ورزی در افغانستان، نگاه تبعیض آمیز حکومت مرکزی به هرات و راه حل های فرهنگی برای برون رفت از انزوای سیاسی.

قابل ذکر است که این کارگاه در روز چهارشنبه، ۱۲ سنبله و پنجشنبه، ۱۳ سنبله در شورای متخصصان هرات برگزار شد.



عادی‌پنداری خشونت در رسانه‌ها، عامل خشونت‌زایی در اجتماع

نویسنده: فریا اکبری



گفت که افزایش
صحنه‌های خشونت‌آمیز
در رسانه‌ها می‌تواند که منجر
به افزایش خشونت‌های بیشتر در جامعه
شود.

رسانه‌ها در عصر حاضر آموزنده‌ی اجتماعی شدن و
آشنا کردن انسان‌ها با قواعد حاکم بر جامعه را دارد
و نسل دو دهه اخیر در افغانستان نیز نسلی است که
همگام با رسانه‌ها رشد کرده‌اند. نسلی که شاید به
خاطر گسترش شبکه‌های اجتماعی رسانه‌های جمعی
بیشتر از هر زمان دیگر با خشونت آشنایی داشته باشند
و آن را عادی‌پندارند و این موضوع می‌تواند به شدت
جامعه را به شکنندگی روبرو سازد.

از عوامل اصلی که بیشتر رسانه به نشر و پخش
بیشتر خشونت می‌پردازد، یکی برنامه‌گی بعضی
از رسانه و دیگر اینکه بیشتر رسانه‌ها وابستگی‌های
اقتصادی دارند. زمانیکه رسانه وابستگی اقتصادی
داشته باشد، استقلال عمل رسانه زیر سوال می‌رود،
و آن طوری که باید وقایع جامعه را پوشش دهد،
نمی‌دهد.

شاید بعضی از رسانه واقعاً از طرف کدام جناحی
مجبور نباشند که به نشر و پخش بیشتر خشونت
پردازند، اما عدم آگاهی و تخصص کافی باعث
شده که رسانه بیشتر به پوشش خبر جنگ و نشر
تصاویر بیانگر خشونت پردازند
تحریم را بیشتر وقتها مرتبط با موضوعات اقتصادی
و سیاست شنیده‌ایم اما بد نیست که تحریم خبر
جنگ را تا اندازه‌ی در افغانستان امتحان کنیم. شاید
توانیم به طور کامل موضوعات ناخوشایند و تباه‌گر
از زندگی‌مان به یکبارگی دور کنیم، اما هرور زمان
آنان را کمرنگ می‌سازد.

صوتی، تصویری ماست و این
یعنی شناختن بیشتر این جنگ و
شبکه‌های که این جنگ‌ها را راه اندازی
می‌کنند. حتی بسیاری مواقع طرف‌های درگیر
جنگ هدف شان تأثیرگذاری بالای مردم برای
اعمال قدرت از طریق جنگ و خون‌ریزی است و
زمانی این تأثیرگذاری گسترده‌تر خواهد شد. که
رسانه‌ها آن را پوشش دهد. رسانه‌های که در گوشه،
گوشه‌زندگی مردم رخنه کرده است.

درست است که محققان در مورد ذاتی بودن و
کسی بودن خشونت نظرات متفاوتی دارند، اما
زمانی که از طریق رسانه‌ها به ویژه رسانه‌ها
تصویری بیشتر به طبیعی بودن آن اشاره شود،
مسئله‌ای که پیامدهای خوبی به دنبال نخواهد داشت.
نظر به برداشت و تجربه‌های اجتماعی من در
عصر حاضر، مردم کمتر به خشونت واکنش نشان
می‌دهند به ویژه افرادی که بیشتر به شبکه‌های
اجتماعی و رسانه‌جمعی سرکار دارند که البته این
موضوعی نیاز به تحقیق بیشتر در جامعه ما دارد و
این یعنی عادی شدن خشونت در جامعه‌ای که قصد
رفتن به سوی صلح دارند و از جنگ خسته شده .
فرضیه برانگیختگی که توسط تاننوم مطرح شد
بر این اساس استوار است که زمانی که مخاطبان
در معرض یک صحنه خشونت بار رسانه‌ی قرار
می‌گیرند تحریک می‌شوند تا در روایی خود به
خیال پردازی در مورد صحنه‌های مشابه به فیلم
می‌پردازند به انجام اعمال خشونت بار، اما اگر
برعکس اگر در معرض یکی برنامه کم‌دی قرار
گیرند باعث برانگیختن احساسات کم‌دی و بالاخره
عملکرد مطابق به صحنه دید می‌شوند.
نظر به فرضیه برانگیختگی تاننوم می‌توان

ما امروز از خودمان دور شده‌ایم. آن قدر دور که
اگر روی با خود روبرو شویم فکر خواهیم کرد،
بیگانه‌ترین کسی را در زندگی دیده‌ایم، همین
کسی هست که با او روبرو شدیم. این دور بودن از
خودمان بیشتر توسط منابعی که قدرت و ثروت را
چنبه زده‌اند تحمیل شده است. ترویج از خود دور
بودگی امروز بیشتر توسط رسانه‌ها بیشتر به چشم
می‌خورد که یکی از همین از خود دور بودگی‌ها
عادی‌پنداری خشونت توسط انسان‌های عصر
تکنولوژی است.
من فکر می‌کنم شناختی که ما امروز از خشونت
داریم شناخت دیروز نیست، با تکیه بر اینکه قبول
دارم که فکر انسان از نظر اجتماعی تکامل پیدا
می‌کند، اما تغییر غلو شده است و واکنش ما نسبت
به خشونت عادی‌تر از گذشته است.

در افغانستان عصر حاضر اگر برای کسی بگویند
امروز در فلان مکان یک تن کشته شده است،
دیگر برایش چندان اهمیت ندارد. به دلیل اینکه در
رسانه‌ها آنقدر تصاویر خشونت‌آلود را دیده‌اند که به
سختی در مقابل خشونت‌های اندک واکنش نشان
می‌دهند. به نوعی از خشونت قباح‌زدایی شده با
آنکه رسانه در تغییرات مثبت زندگی سهم داشته از
است، از سوی هم بیشتر خبرهای جنگ را پوشش
داده‌اند و همین باعث ترویج خشونت می‌شود و
انسان را از آنی که است دورتر می‌کند. با تکرار
نشر بعضی از تصاویر به طور غیر مستقیم می‌گوید
تو همین هستی!

خشونت‌طلبی و خشونت طبیعی است!
در بسیاری مواقع اکثر خبرهای جنگ صحنه نخست
روزنامه‌ها و نشریات و سرخط خبر رسانه‌های



از روز جهانی حفاظت از لایه اوزون در هرات تجلیل شد

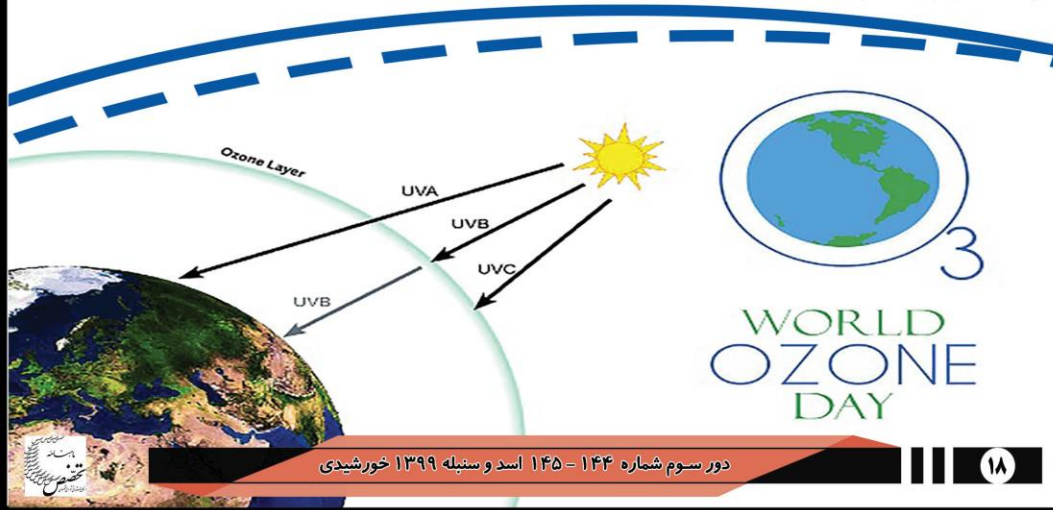
گزارشگر: فریبا اکبری



روز جهانی حفاظت از لایه اوزون از سوی اداره ملی حفاظت از محیط زیست دفتر ملی اوزون در هرات تجلیل شد. مسوولان برگزار کننده، هدف از برگزاری این برنامه را آگاهی رسانی و تشویق مردم برای استفاده نکردن گازهای تخریب کننده لایه اوزون می دانند.

نصیراحمد فضلی؛ رییس اداره محیط زیست ولایت هرات بیان کرد، افغانستان تولید کننده گازات CFC (کلروفلئورو کاربن) که مخرب لایه اوزون می باشد نیست، اما بعضاً به گونهی قاچاق وارد کشور می شود و تلاش اداری محیط زیست این است که با نظارت دوامدار روند قاچاق این گازها را متوقف کنند. آقای فضلی می گوید: "ما تولید کننده گازهای CFC (کلروفلئورو کاربن) نیستیم ولی فعالیت حمامها می تواند که باعث آلودگی هوا شده و به محیط زیست صدمه بزند و ما تلاش داریم که سیستم تصفیه دود حمامها را به گونهی صنعتی ایجاد کنیم." وی اضافه کرد، هرات دستگاه سنجش آلودگی هوا ندارد و ما خواستار این دستگاه از مرکز شدیم.

در همین حال، مسوولان محلی هرات با اشاره به گرمایش زمین به دلیل تخریب اوزون بیان کرد که مردم و دولت باید در قسمت حفاظت از لایه اوزون و محیط زیست همکاری باشند. داکتر نوراحمد حیدری معاون مقام ولایت هرات گفت، اداره محلی هرات متعهد است تا در چوکات قوانین بین المللی برای حفاظت از لایه اوزون تلاش کند. با این وجود، داکتر مهدی حدید نماینده مردم در شورای ولایتی هرات تأکید می کند که آگاهی مردم برای حفاظت از لایه اوزون مهم است و این مسوولیت رسانهها و نهادهای دولتی است که تلاش کنند آگاهی مردم را در قسمت محافظت از لایه اوزون بلند ببرند. کلروفلئورو کاربن (CFC) موادی شیمیایی هستند که در تهویه و در چرخه های انتقال حرارت به عنوان مادهی واسط کاربرد وسیعی دارند. این مواد باعث نابودی لایه اوزون نیز شده اند.



دور سوم شماره ۱۴۴ - ۱۴۵ اسد و سنبله ۱۳۹۹ خورشیدی

۱۸

تغییرات اقلیمی اثرات و پیامدهای آن بر منابع آب و محیط زیست

نویسنده: پوهاند عبدالرحیم (امید)

اقلیم و طرز ارایه نمودار آن اقلیم (climate). معدل روند آب و هوا برای یک سال است که از روی معدل سالیان متمادی (هرچه بیشتر) به دست آمده است. وضعیت‌های هوا شناسی (آب و هوا در مقیاس وسیع) بر همکنشی‌های عوامل مختلف جوی در دوره‌های کوتاه‌تر (هفته یا ماه) است هوا (weather) شرایط جوی در یک روز مشخص است. طبقه بندی ژئو- بیوسفر به زنبوبوم‌ها بر اساس اقلیم است. مقیاس‌های مکانی و زمانی بعداً بحث می‌شوند. اغلب واضح نیست که چگونگی از طریق شرایط معدل سالانه، آب و هوا (شرایط جوی واقعی) و اقلیم (شرایط جوی طی سالیان متمادی) درهم تلفیق می‌شوند که برای بوم شناسان بسیار مهم است زیرا فرمول‌ها و شاخص‌های پرت مناسب نیستند. یک روش، نمایش گرافیکی اقلیم است که باید شامل دگرگونی شرایط طی سال باشد. این نوع اطلاعات از طریق نمودار اقلیم اکولوژیک فراهم شده است که کل اقلیم نزدیک سطح زمین به صورت تصویری نشان داده می‌شود. شکل مورد نظر در یک نگاه باید واضح و جامع و فقط شامل اصلی‌ترین داده‌ها از نقطه نظر بوم شناس یعنی دما و بارش در سراسر سال باشد. اطلس نمودارهای اقلیم جهان که توسط والترولیت (۱۹۶۷) تهیه شده شامل بیش از ۸۰۰۰ نمودار اقلیمی از کلیه ایستگاه‌های جهان است (۷/ص ۳۱)

ادامه مطلب در صفحه بعدی

ضرورت بحث و مذاقه در مورد تغییرات اقلیمی بر هیچکس مکتوم و پوشیده نیست زیرا تغییرات اقلیمی در شرایط امروزی به بزرگترین چالش و مشکل بشر تبدیل شده است. **واژه‌های کلیدی:** منابع آبی، محیط زیست، اکوسیستم، حیات، آلودگی، کره زمین

مقدمه

تغییرات اقلیمی امروزی زنگ خطری برای بشر به وجود آورده است سبب اصلی در این تغییرات اقلیمی در قرن حاضر بشر می‌باشد که با دخالت بی جا در طبیعت و استفاده بی‌رویه از منابع روی زمینی و زیر زمینی و با تولید بی‌حدو حصر گازات گلخانه‌ای و آلوده ساختن هوا، مکرر ساختن اتمسفر، سوراخ شدن لایه اوزون، از بین بردن پوشش نباتی و خصوصاً صید از چراگاه‌ها و جنگلات طبیعی و صید بی‌رویه آبزیان آلودگی خاک از اثر کودهای کیمیاوی و انتشار امراض و آفات و استفاده از ادویه‌جات کیمیاوی ضد آفات و امراض حیوانی و نباتی و غیره از جمله مداخلات بی‌مورد بشر و پیامدهای آن بر زندگی موجودات زنده در شرایط فعلی و آینده می‌باشد که اگر این روند ادامه پیدا نماید محیط زیست بیشتر به خطرات جبران ناپذیر روبه‌رو خواهد شد که جفای است بر حق نسل‌های حال و آینده بشر. در این مقاله خواستیم که تغییرات اقلیمی، و عوامل آن و همچنان اثرات و پیامدهای آنرا بر منابع آب و محیط زیست به بررسی بگیریم امیدوارم که مورد استفاده اهل دانش و اکولوژیست‌ها قرار بگیرد.

در شرایط امروزی تغییرات اقلیمی و اثرات و پیامدهای آن بر منابع آب و محیط زیست و حیات موجودات زنده اثر خود را بجا گذاشته است. اگر چه در طول اعصار و دوران‌های ژئو لوژیکی حوادث زیاد اقلیمی رونما گردیده که تحت تأثیر این تغییرات اقلیمی حیوانات و نباتات مختلف ظهور کردند و انتشار یافتند و یا انقراض نموده‌اند از قرن ۱۸ به بعد که تحولات زیادی در صنعت رونما گردیده و معادن مختلف استخراج شد و سوخت‌های فوسیلی جایگزین چوب و دیگر مواد سوخت گردیده و هم پیامدهای ناگواری را بالای اقلیم و اتمسفر از خود بجا گذاشته است از جمله سوخت ذغال سنگ، پلاستیک، رابر، تیل، نفت، و گاز، کارخانجات صنعتی و تا یک قسمتی زباله‌های جامد و مایع و ادویه‌جات و غیره هوا پاک و معطر را آلوده ساخته و باعث ایجاد باران‌های تیزابی، افزایش گازات گلخانه‌ای سوراخ شدن لایه اوزون گردیده که پیامدها و تأثیرات آن: گرم نمودن کره زمین، بالای رفتن آب بحرها و دریاها، خشک سالی‌ها در بعضی مناطق، طوفان‌ها شدید، سیلاب‌های مدهش، رانش زمین، برف کوچ‌ها، ذوب شدن یخ‌ها قطب شمال و جنوب بالاخره تلفات بیش از حد موجودات زنده و در اکثریت اکوسیستم آبی و خشکی گردیده است. روش تحقیق در این مقاله کتابخانه‌ای و ساحوی بوده و هدف از بررسی موضوع تغییرات اقلیمی است که اثرات و پیامدهای آن بر منابع آب و محیط زیست مشخص شود.



ادامه مطلب . . .

تشریح بعضی از نمودارها در شکل ۵ درج شده است که مثال‌های از ۹ زئوبیوم از ایستگاه‌های کم ارتفاع را ارائه می‌دهد. شکل نمودار اقلیم بیوم‌های کوهسری (orobiomes=ob) را نشان می‌دهد که عبارت است از: بیوم کوهسری ۱ با تیپ روزانه اقلیم و بقیه بیوم کوهسری از ۲ تا IX منطقه و ستوک در بیوم کوهسری IX با متوسط دمای سالانه 56C-، شاید سردترین ایستگاه روی زمین باشد اما برعکس سایر ایستگاه‌های مشابه سرد در قطب جنوب این بیوم دارای پوشش گیاهی است.

نمودارهای اقلیم نه فقط دما و بارندگی بلکه مدت و شدت نم نسبی و فصل‌های نسبتاً خشک و به علاوه امکان یخبندان‌های زود رس و دیررس را نیز نشان می‌دهند.

در یک ناحیه خشک در موازنه هیدرولوژیکی آب، میزان تبخیر قابل توجه است لذا برعکس ناحیه مرطوب، سیستم رودخانه‌ای دائمی بسته وجود ندارد. چشم انداز از آبریزها فقط شامل درچه‌های کوچکی است که شور هستند (دریای مرده، گریت سالت لیک در یوتاه، آراب ولوپ نور)؛ در نواحی مرطوب چنین آبریزهای کاملاً لبریز از آب (برای مثال، دریاچه کانستندر آلمان) و دارای هرز آب هستند. لذا چرخه هیدرولوژیکی داخل d(p.ep) در نواحی بزرگتر کاملاً متفاوت‌اند و بستگی به خشکی یا مرطوب بودن ناحیه دارند.

بوسیله نمودارهای اقلیمی، ارزیابی اقلیم از نظر اکولوژیکی امکان پذیر است. استفاده از مقیاس C ۱۰ که تقریباً معادل ۲۰ میلی متر بارندگی است، خشکی و مرطوب بودن فصل‌های مختلف را می‌توان تغییر نمود.

تجزیه کننده‌گان در لاشبرگ و خاک

بسیار از مواد زاید سالانه جنگل برگریز تشکیل لایه‌ای از برگ‌های زرد و خشک شده (لاشبرگ) را می‌دهند که فوراً بوسیله میکرواورگانیزم‌ها، قارچ‌ها و باکتری‌ها مورد حمله قرار گرفته و تجزیه می‌شوند. مطالعات کمی دقیق روی فعالیت چنین جانورانی در سه توده جنگل برگریز توسط ادواردز و همکارانش در (۱۹۷۰) انجام شده است. باران از برگ‌های شسته شده و برگ‌های مرده به رنگ قهوه‌ای در میانند، هر قدر نسبت C:N در لاشبرگ پایتتر باشد، معدنی شدن سریعتر دنبال می‌شود. تا ژوین بعدی، لاشبرگ درخت زیرفون، حدود نصف و بلوط که به آسانی تجزیه نمی‌شود فقط حدود یک چهارم است.

معدنی شدن لاشبرگ تا کامل شدن پیش نمی‌رود؛ هوموس تولید می‌شود که با کلسیم اشباع شده و تشکیل لایه‌ای را می‌دهد که شامل تعداد زیادی iumbricids (شبیبه کرم خاکی) است، یا تحت شرایط اسیدی مقایسه تولید خشکی‌های زمین با تولید اوقیانوس‌ها نشان می‌دهد که اوقیانوس‌ها با تولید ۱۰۹*۶۰، تن فقط حدود یک سوم زمین



تولید دارند در حالی که سطح دریاها تقریباً سه برابر بزرگتر است. قابل توجه است که وزن زئوده گیاهی در اوقیانوس‌ها در مقایسه با تولید اولیه ۳۰۰ برابری آن بسیار ناچیز است زیرا گیاهان پلانکتون اوقیانوس‌ها تک سلولی‌اند و بطور پیوسته تقسیم می‌شوند. برعکس، تولید اولیه خشکی‌ها برابر ۷٪ زئوده گیاهی متناظر است.

با اضافه کردن کل ذخیره کاربن آتمسفریک فعال زمین، حدود ۷۴۸ گیگا تن (گیگا=۱۰۹) (عمدتاً به صورت CO₂) در آتمسفر تولید می‌شود که حدوداً ۲۰۰۰ گیگا تن آن به سطح زمین و ۲۸۰۰۰ گیگا تن آن از طرف دیگر، در اوقیانوس‌ها، مقادیر ۱۰۹*۳ تن ماده خشک محاسبه شده است که بیش از ۱۵ برابر زئوده گیاهی اوقیانوس‌هاست. بر خلاف گیاهان تک سلولی، مصرف کننده‌گان در اوقیانوس‌ها شامل حیوانات بزرگ دریای هستند که برای مصارف بشر بهره‌برداری می‌شوند. برعکس، برای تشریح زئوده حیوانی نسبتاً پائین مصرف کننده‌گان بزرگ خشکی‌ها، قبلاً مثال‌های متنوع داده شده است. زئوده زمین عمدتاً چوب جنگل‌هاست که به رغم پوشش ۳۹ درصدی جنگل‌ها، ۸۲٪ کل زئوره تمام قاره‌هاست. بخش اصلی زئوده گیاهی در جنگل‌های حاره‌ای حدود ۵۰٪، زون سرد شمالی حدود ۲۰٪ و زون‌های زیرحاره‌ای و معتدله هر کدام حدود ۱۵٪ است. برای بحث‌های مربوط به "دیگرگونی جهانی" باید این ارقام را به خاطر سپرد.

زئوده گیاهی بیابان‌ها به رغم اشغال ۲۲٪ زمین، فقط ۰.۸ درصد کل زئوده گیاهی سطح زمین است. در ضمن تغییر جهانی در هر جایی به وضوح مشخص است که اثرات آن نشان داده شده و بویژه شامل ترکیب شیمیایی آتمسفر است افزایش در CO₂ و سایر گازهای کیمباب (CH₄، CFC، N₂O) و سایر گازها) منجر به تغییر تعادل پرتوافکنی زمین می‌شود. نوسانات فصلی طی سال در نیمکره شمالی تحت نام منحنی مایونا- لویا برای مدت زمان طولانی شناخته شده‌اند ثابت شده که مقدار ۲۸۰ ppm CO₂ (قبل از عصر صنعتی شدن) تا میزان کنونی ۳۶۰ ppm در سطح جهان افزایش مداومی داشته است. آنچه که تاکنون در حد کمتری شناخته شده اثرات افزایش CO₂ روی سایر چرخه‌های میتابولیک کره‌زمین است که بدلیل رشد فعالیت‌های انسانی تغییر کرده است. شکل تثبیت طبیعی نیتروژن را در مقایسه با آنچه انسان مسبب آن بوده است، نشان می‌دهد که حداقل با حالت افزایشی CO₂ شباهت دارد.

در عرض‌های جغرافیایی معتدل تحت شرایط اقلیمی معمول، استفاده پایدار جنگل‌ها برای قرن‌ها امکان پذیر است اما حتی در اروپای مرکزی مسایل مربوط به خسارات جنگل وجود دارد. در مناطقی با بارندگی متغیر، میزان فرسایش در جاهایی که درختان قطع شده‌اند، مسله مهم است. پس از قطع درختان، خاک شسته شده و جنگل کاری مجدد خیلی مشکل می‌شود. در جنگل‌های بارانی حاره‌ای استفاده از چوب طبق جنگلداری سنتی اروپاییان اقتصادی نیست (۷ ص ۴۰) تقریباً دو سوم جنگل‌های اولیه کره‌زمین برای همیشه نابود شده است. از ۱۰۹*۸۰۸ هکتار جنگل موجود در ۸۰۰۰ سال پیش فقط ۱۰۹*۳۰۴ هکتار باقی مانده است. این نتیجه هولناک اخیراً براساس اسناد صندوق زندگی جهانی (World Wide life fund=WFF) بدست آمده است. نگهداری آنچه که از جنگل‌ها باقی مانده است در حال حاضر سالانه حدود ۱۰۶*۱۷ هکتار از جنگل‌های موجود طی سال‌های اخیر تخریب تقلیل نیافته بلکه تشدید هم شده است. لذا به کمک WFF قرار است شبکه جهانی مناطق حفاظت شده شامل ۱۰٪ از جنگل‌های هر منطقه حاره‌ای وزیر حاره‌ای و همچنین در جنگل‌های مناطق معتدله و سرد شمالی بوجود آید که در اروپا به تنهایی ۱۰۰ ناحیه جنگلی برای این پروژه اختصاص یافته است.

ادامه مطلب در صفحه ۲۷





حاصلات انگور هرات به ۱۴۰ هزار تن افزایش یافته است

کتابخانه مرکزی و اطلاعیه‌های

می‌خواهم که در قسمت بازاریابی محصولات زراعتی ما تلاش بیشتر کنند." در این نمایشگاه ده‌ها نوع انگور بومی هرات و عسل و انجیر این ولایت به نمایش گذاشته شد.

همه ساله نمایشگاه‌های از این دست برای بازاریابی محصولات زراعتی در هرات برگزار می‌شود، اما دهقانان و زارعین ولایت هرات خواستار صادر محصولات‌شان به کشورهای بیرونی هستند، خواستی که به گفته‌ی دهقانان این ولایت هنوز به آن رسیدگی نشده است.

مسوولان ریاست زراعت ولایت هرات می‌گویند که حاصلات انگور هرات در سال جاری افزایش یافته است.

عبدالصبور رحمانی رییس اداره زراعت ولایت هرات در جشنواره انگور، عسل و انجیر ولایت هرات از افزایش این محصولات در این ولایت خبر داد. رییس اداره زراعت ولایت هرات گفت، حاصلات انگور در ولایت هرات به ۱۴۰ هزار تن افزایش یافته و در کنار انگور حاصلات انجیر به ۸ هزار تن و تولیدات عسل به ۲۰۰ تن افزایش داشته است.

آقای رحمانی، هدف از برگزاری جشنواره انگور، عسل و انجیر را معرفی تولیدات و حاصلات هرات در سطح ملی و بین‌المللی می‌داند. با این حال، سید عبدالوحید قتالی والی هرات، ابراز داشت که کشورهای مختلف علاقه‌مندی دارند به استفاده از محصولات زراعتی و قرار است این محصولات به کشورهای خارج صادر شود.

والی هرات ادامه داد، در سال جاری بسیاری از کشورها به خاطر کرونا از لحاظ اقتصادی ضربه دیده‌اند و با رفع شدن موانعی که کرونا ایجاد کرده است، کارهای برای صادرات محصولات زراعتی روی دست گرفته خواهد شد. با این وجود کامران علیزایی؛ رییس شورای ولایتی هرات گفت: "متأسفانه که نه تنها امسال بلکه در سال‌های گذشته نیز کم‌کاری دولت در قسمت صادرات محصولات زراعتی وجود داشته است، اما امیدواریم در آینده دولت در قسمت صادرات محصولات زراعتی گام‌های عملی بردارد."

با این حال، شماری از باغداران ولایت هرات از کاهش محصولات زراعتی‌شان خبر می‌دهند و از دولت خواستار توجه بیشتر به حاصلات زراعتی هستند.

عبدالرحمن که یکی از باغداران ولایت هرات است او می‌گوید: "بازار فروش محصولات ما را نسبت به سال گذشته کاهش یافته و من از دولت



دور سوم شماره ۱۴۴ - ۱۴۵ اسد و سنبله ۱۳۹۹ خورشیدی

۲۱



محمد مسلم قرآنی هروی

در سال ۱۳۵۲ هجری شمسی فرزند برومندشان مولانا ابونجاح جانشین‌شان گردیده مشغول به تدریس علوم و تعلیم قرائت قرآن کریم گردیدند، و برخی دروس و امامت برادر بزرگوارشان شهید مولانا عبدالرحیم جان عهدهدار بودند. مولانا عبدالرحیم جان در زمان حکومت کمونیستی، با عده‌ی زیادی از دیگر علمای غوریان، برناباد و زندجان بشهادت رسیدند. مولانا ابونجاح با برادران راه هجرت در پیش گرفتند، و چندین سال در مدرسه شیخ احمد جامی در تربت‌جام، مشغول تدریس بودند، بعداً به امارات متحده عربی سفر کردند، و در آنجا به لقاءالله پیوستند. پس از آزادی وطن، فرزند دیگر مولانا ابونصر رحمه‌الله محترم الحاج مولوی صاحب فضل احمد جان که نزد برادرشان تحصیل علوم دینی و قرائت کرده بودند و سند خویش را پس از چند سال از دارالعلوم کراچی بدست آورده بودند، به باز سازی مدرسه عروه‌الوقتی برناباد، توجه نموده و به تدریس و تعلیم فرزندان وطن مشغول شدند، که الحمدلله تاکنون در راه خدمت به اسلام و مسلمین ادامه می‌دهند.

و ضمناً سر پرستی بنا و باز سازی مسجد جامع بزرگ و تاریخی برناباد و اکثر مساجد این خطه منور را به همکاری مردم مؤمن و خدمت گزار برناباد عزیز به عهده داشتند. بنده نیز افتخار این را دارم که دوره قرائت و کتاب تجوید (ارشادالصبيان الى القرآن) را نزد ایشان به اتمام رساندم. تمت الخیر

۱. مایل هروی، رضا میرزایان برناباد، سال چاپ مجدد ۱۳۰۲: ۱۱: ۲۶ [M.Moslem Marvi, ۰۶.۱۰.۲۰۰۲، هجری شمسی، به تلاش مؤسسه فرهنگی و پژوهشی آرتاکوانا.
۲. کامگار، آثار غوریان، ۱۳۹۶ هجری شمسی، چاپ خانه قدس، هرات - افغانستان.
۳. کرویخی هروی، محمدوزیراخی، هرات در عهد ملکیار، ۱۳۹۰ هجری شمسی، انتشارات اجراری، هرات - افغانستان.

او چنین نگاشته... ابتدا در تقسیمات کتاب خود مولانا محمد اعظم برنابادی را در قسمت قضات به معرفی می‌گیرد و می‌گوید ایشان ابتدا در بخش قضای فعالیت داشتند ولی پیش از نایب‌الحکومه‌گی عبدالله خان ملکیار به روستای برناباد اسکان گزین شدند و تا آخر عمر در همان جا بسر بردند. در ادامه می‌نگارد که مولانای برنابادی از جمله شخصیت‌های حلیم، اندیشمند، آگاه وزبده زمان خویش بوده در بخش قرائت و تجوید دست‌والای داشته‌اند. ایشان یک متصوف و زاهد به تمام معنا نیز بودند. سفر هیئت تحقیقی را ذکر می‌کند که متشکل از محققین داخلی و خارجی بودند و در مورد تصوف به تحقیق می‌پرداختند. ابتدا وارد کابل شده تحقیق خویش را شروع کردند و چون هرات خاک اولیاست اوشان را وادار آمدن به هرات کرد. به قسمتی از سوالاتشان جواب حاصل کردند ولی قناعت بخش برای‌شان نبود گویند ایشان به برناباد سفر کردند و به مدت هفت روز در مسجد و یا مدرسه ابونصر برنابادی ماندند و در اخیر این اسکان، قناعت‌شان را حاصل و تمام سوالاتشان را به جواب‌های قانع‌کننده‌ای رساندند. در اخیر این هیئت از فهم و دانای این عالم فاضل و آگاه تعریف و تمجید نموده و روستای علم پرور را به سمت مینا شان ترک گفتند (کرویخی هروی، ۱۳۹۰: ۳۷۶)

مولانا محمد اعظم برنابادی (ابونصر هروی برنابادی) بتاريخ ۱۲/۴/۱۳۵۲ هجری شمسی به عمر ۷۹ ساله‌گی به دیار ابدی شتافت و در زیارت خواجه محمد اصفهانی در روستای فرهنگی برناباد مدفون گردید (اندکامگار، ۱۳۹۶: ۱۹۱-۱۹۲).

از این مرد فاضل فرزندان نیک سیرت و عالمی بجا مانده که میراث پدری‌شان را حفظ نموده و به گسترش آن پرداخته‌اند. باید یاد آور شد که پس از رحلت مولانا رحمه‌الله علیه

حمیدالله کامگار نویسنده‌ی جوان و چیره دست هری زمین در مورد این شخصیت بزرگ در کتاب خود آثار غوریان چنین می‌نگارد: مولانا محمد اعظم برنابادی ولد گدا محمد ولد عبدالرحمن در سال ۱۲۷۳ هجری شمسی در یک خانواده متدین در روستای فرهنگی برناباد چشم به جهان گشود. مولانا ابونصر یکتن از علمای چیره دست، و از نویسندگان خیره و از شوریده دلان محیط فرهنگ غوریان و افغانستان به حساب می‌آیند.

رضا مایل هروی نویسنده‌ی والا دست دیارمان، سفری داشته است به برناباد و در این سفر ملاقاتی با شخصیت بزرگ این خطه داشته که تفسیر آن را از زبان خودش بیان می‌دارم.

مولوی محمد اعظم مشهور به ابونصر از علمای جید است که مدرسه‌ای دارد و در آن به تدریس و تربیت شاگردان اشتغال می‌ورزند. ایشان در سال ۱۳۱۳ قمری متولد شده و صاحب تألیفات عدیده است.

۱. هدایه المبتدی (عربی)
۲. العطره الفاتحه فی التجویدالفاتحه (فارسی).
۳. الساهوجی فی المنطق علی الایساغوجی (عربی).
۴. المنحه العطریه شرح المقدمه الجزویه (عربی)
۵. هدایه الصبیان (کلام‌الرحمان) در تجوید (فارسی).
۶. الدلیل العاصم عن التخلیط فی القرائه الامام عاصم (عربی).
۷. ارشادالصبيان الى القرآن (فارسی).

بجز از این آثار در حدود نه اثر خطی دیگر نیز دارند که هنوز اقبال چاپ نیافته است (مایل هروی، ۱۳۹۹: ۶). نوشته‌های دیگری نیز در مورد این شخصیت و آراسته و والا مقام وجود دارد که در اینجا به نقل آن خواهم پرداخت. کتاب (هرات در عهد ملکیار) خاطره نوشته‌ای از محمد وزیراخی کرویخی که تاریخ، کارکردها، رجال بزرگ، شعرا، و بزرگان آن دوره را که در زمان نایب‌الحکومه‌گی عبدالله خان ملکیار می‌زیستند را با قلم دست نویسی کرده و به نشر رسانده است.



با دکتور محمد ناصر حبیب ریس شفاخانه حوزوی هرات آشنا شوید



داکتر ناصر حبیب که است؟

در اول حمل سال ۱۳۵۲ در ناحیه پنجم شهر هرات در یک خانواده روشنفکر و تحصیلکرده دیده به جهان گشودم دوران تعلیمات ابتدایی و متوسطه را در مکاتب موفق و سلطان غیاث‌الدین غوری به اتمام رسانده و در سال ۱۳۶۹ شامل لیسه مولانا عبدالرحمن جامی گردیده و در سال ۱۳۷۲ به درجه اول فارغ گردیده و در اخیر همان سال با شرکت در امتحان کانکور به شمولیت در دانشکده طب معالجوی گردیدم و در سال ۱۳۸۰ از دانشگاه طب کابل فارغ گردیدم بلافاصله بعد از فراغت منجبت داکتر در مؤسسات بین‌المللی چون طبیبان چون طبیبان جهانی (MDM) سازمان بین‌المللی مهاجرت (IOM) و همچنین مدت حدوداً چهار سال در مؤسسه بین‌المللی صلیب سرخ (ICRC) کار نمودم.

در مورد علاقه‌ی تان به طبابت صحبت کنید؟

علاقه‌ی من نسبت به طبابت از دین و وضعیت مردم افغانستان شروع شد. زمانیکه بسیاری از هموطنان ما از مرضی‌ها رنج می‌کشیدند و برای طبابت‌شان سرگردان کشورهای بیرونی می‌شدند من تصمیم گرفتم این رشته را بخوانم، بلکه توانسته باشم، اندکی از درد این مردم را کم کرده باشم. و زمانیکه مرضی درمان می‌شود، حسی به من دست می‌دهد که قابل توصیف نیست.

از نظر شما مشکلات فرا راه جامعه طبی امروز هرات چیست؟

خوب ما در جامعه زندگی می‌کنیم که مشکلات زیادی وجود دارد و تنها منحصر به جامعه طبی هرات نمی‌شود، از عمده مشکلاتی که جامعه طبی هرات با آن دست و پنجه نرم می‌کند شرایط بد اقتصادی مردم افغانستان است. داکتران کشور آموزش‌های مسلکی و معاینات پیشرفته را می‌دانند، اما شرایط اقتصادی مردم افغانستان تقاضا نمی‌کند که از دانش و تخصص این داکتران برای تداوی مرضیان به داخل کشور استفاده شود و در این شرایط مایوس می‌شویم که چرا نمی‌توانیم از تخصص و آموزش‌های خود برای تداوی هموطنان خود استفاده کنیم.

از نظر شما چرا اعتماد مردم نسبت به بعضی از داکتران در هرات کم شده است؟

در هر قشر اجتماعی افراد خوب و بد وجود دارد. جامعه طبابت نیز از این امر مستثنی نیست و کسانی هستند که از این مسلک سوء استفاده می‌کنند، اما توقع ما از مردم این است که تخلفاتی که از سوی بعضی از افراد صورت می‌گیرد، آن را کلیت نبخشند. داکترانی در هرات وجود دارند که صادقانه برای صحت‌مندی مردم کار می‌کنند. طبابت یعنی تلاش صادقانه برای صحت‌مندی زیستن و زنده نگهداشتن انسان‌ها.

چالش‌های عمده در شفاخانه حوزوی هرات چیست؟

اگرچه شفاخانه حوزوی هرات بزرگترین شفاخانه در سطح افغانستان است، و ۱۵ تا ۲۰ درصد خدمات طبی کشور را شفاخانه حوزوی هرات ارائه می‌کند، اما مشکلاتی را نیز دارد. بزرگترین مشکلی که این مرکز درمانی دارد، کمبود بودجه است و در زمان تعمیر ساختمان این شفاخانه ۲۰۰ بستر و آماده‌ارایه خدمات برای ۵۰ هزار نفر بوده است. اما حالا مراجعین آن به مراتب زیادتر از آنچه است که در ابتدای ساختن آن پیشبینی شده بود. بودجه و تعمیر این شفاخانه با میزان مراجعین آن تطابق ندارد و نیاز است که دولت در این قسمت توجه کرده و با توجه به نفوس هرات چند شفاخانه دیگر در این ولایت ساخته شود. چندین بار از آدرس ما و شورای ولایتی هرات برای حل این چالش دادخواهی انجام شد، ولی هنوز پاسخ قناعت بخشی دریافت نکردیم.

در مورد دستاوردهای تان بیشتر برای ما بگویید؟

در سال ۱۳۸۶ نظر به علاقه‌ای که به رشته جراحی مغز و ستون فقرات داشتم و همچنین بنابر نیاز مردم هرات این رشته بعد از سپری نمودن امتحان شامل پروگرام تخصص رشته متذکره گردیدم و در سال ۱۳۸۹ پروگرام متذکره را موفقانه به پایه اكمال رسانده و بعد از دفاع مونوگراف و اخذ تصدیقنامه تخصص جهت کسب مهارت‌های مسلکی بیشتر در یک فیلو شپ سه ماهه به کشور هندوستان رفته و در شفاخانه آل انڈیا انسیتوت (ALLMS) که یک شفاخانه و مرکز تحقیقاتی شناخته شده و معتبر در سطح جهانی می‌باشد کار نمودم و افتخار اسیستانت بودن را با پروفسور Mahapatra که یکی از چهره‌های مطرح جراحی مغز و ستون فقرات در جهان می‌باشد دارم.

بعد از ختم دوره سه ماهه تریننگ با کسب تجارب فراوان مسلکی مجدداً به کشور برگشتم و در سال ۱۳۹۰ بحیث اولین ترینر و شف پروگرام تخصص جراحی مغز و ستون فقرات در شفاخانه حوزوی هرات مقرر گردیدم و از آن زمان به یاری خداوند و با داشتن تجربیات فراوان توانستم تا اکثر مرضیانیکه با اسباب مختلف ضربه مغز و ستون فقرات دیده‌اند و قبلاً با قبول مشکلات متعدد مجبور به رفتن به خارج کشور بودند در هرات تداوی نمایم. همچنین بر علاوه تداوی مرضیان ضربه‌های مغزی و ستون

فقرات مرضیانیکه مصاب سکتة مغزی «تومورهای مغزی» «دیسک‌های گردن و کمر» امراض ولادی سیستم عصبی و... نیز هستند موفقانه تحت درمان قرار گرفته و می‌گیرند. در سال ۱۳۹۳ به دعوت و همکاری انجمن جراحان آلمان برای یک فیلو شپ سه ماهه جهت کسب مهارت‌های بیشتر جراحی ستون فقرات راهی کشور آلمان شده و در شفاخانه BGU شهر فرانکفورت کار نمودم که در ختم کار با تشویق شف بخش مربوطه پیشنهاد کار در آن شفاخانه و وعده همکاری برای انتقال فامیل برایم داده شد. اما از آنجیکه هدف بنده خدمت برای وطن و مرضیان داخل کشور می‌باشد برگشت به کشور را ترجیح داده و مجدداً به کشور برگشتم.

چه مدت می‌شود که در شفاخانه حوزوی هرات مصروف فعالیت هستید؟

در مدت ده سال که بحیث ترینر متخصص در شفاخانه حوزوی هرات کار نمودم در حدود بیست متخصص را در رشته جراحی مغز و اعصاب تربیه نموده که مصروف ارائه خدمات مسلکی در این رشته در هرات و دیگر ولایات می‌باشند. قابل ذکر است که در طول حدوداً پانزده سال که در رشته متذکره مصروف خدمت‌گزاری برای مرضیان بودم مورد تقدیر نهادهای دولتی، غیر دولتی و مردمی بشمول تقدیر نامه درجه یک توسط حامد کرزی رییس جمهور پیشین و همچنین شورای ملی و شورای ولایتی گردیدم. در طول دوران کاری‌ام بحیث متخصص جراحی مغز و ستون فقرات در کنفرانس‌های متعدد علمی و تحقیقی به کشورهای مختلف دنیا سفر نموده‌ام و بزرگترین هدف و آرزویم خدمت به مردم و کشورم از طریق رشته تخصصی‌ام می‌باشد.

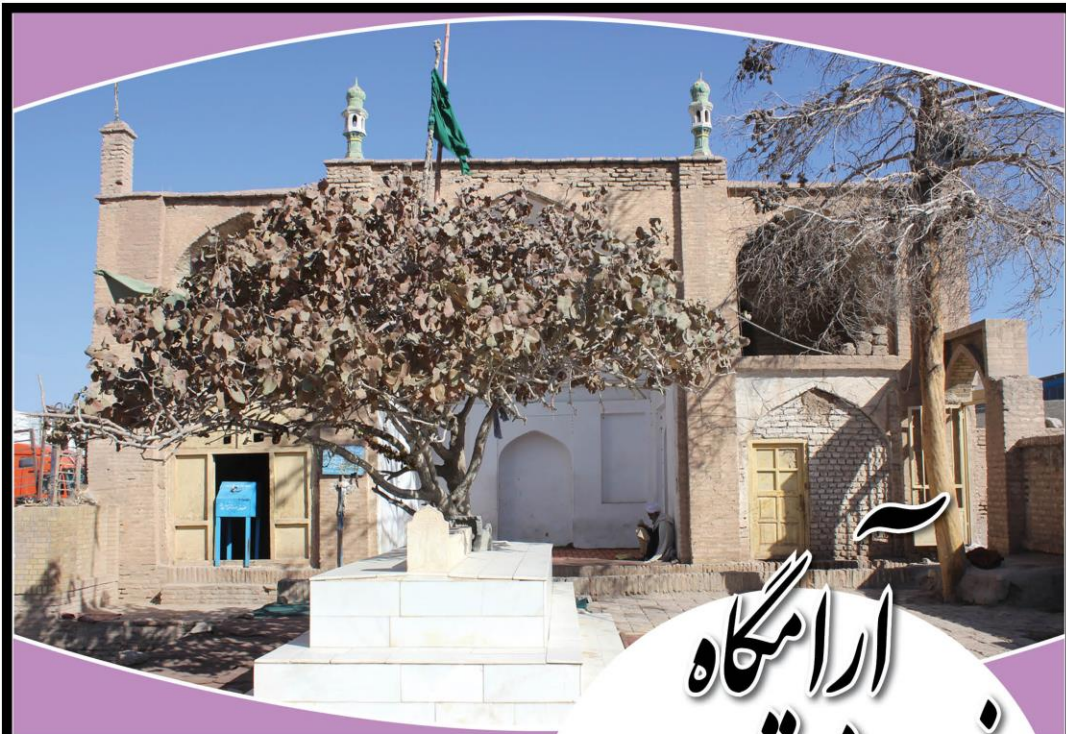
پیام تان برای مخاطبان تخصص چیست؟

پیام من این است که مردم به داکتران در داخل کشور اعتماد کنند و زمانی برای تداوی به خارج مراجعه کنند که در داخل کشور تداوی‌شان امکان پذیر نیست. با این کار از یک سواز مصرف زیاد پول خودداری کرده و از سوی دیگر از فرار



دور سوم شماره ۱۴۴ - ۱۴۵ اسد و سنبله ۱۳۹۹ خورشیدی

۳۳



آرامگاه خواجه غلطان ولی، بادسیخ و دردا

این آرامگاه خواجه غلطان ولی است که در میان آرامگاه سید مختار و مولانا عبدالرحمن جامی موقعیت دارد. وقتی پا به داخل این آرامگاه گذاشتم، هیچ کسی برای غلت خوردن وجود نداشت و بعد از ده دقیقه چند زن آمدند و سوره "الم ترکیف" را با صدای بلند خواندند. گلزار کسی است که به گفته خودش سه سال است که با خواجه غلطان ولی مجاور است.

او می‌گوید: "این زیارتگاه زائرین خارجی و داخلی دارد، اما ممکن است که در بارندگی‌های امسال نیز بعضی از قسمت‌های آن تخریب شود."

با این حال، زلمی صفا؛ مسوول حفظ آبدات تاریخی هرات ابراز می‌دارد که موضوع قرار گرفتن کانتینرها و گاراها در اطراف خواجه غلطان ولی برای ما هم نگران کننده است و مسوولیت این آبدی تاریخی از چند سال بدینسو به عهده اداره ارشاد حج و اوقاف هرات سپرده شده و این اداره ساحه اطراف این بنای تاریخی را برای کسب عواید به کرایه داده است و ما نگرانی خود را با اداره ارشاد حج و اوقاف هرات بیان داشتیم، اما از سوی این اداره پاسخی دریافت نکردیم.

ادامه مطلب در صفحه بعدی

گزارشی از فریبا اکبری

خواجه غلطان ولی یکی از آرامگاه تاریخی هرات، واقع تانک مولوی در شمال هرات در محاصره مستری خانه‌ها هیاهوی راننده‌ها و گاراها و کانتینرها گم شده است.

از کوچه‌ای باریکی که در دو طرف آن مستری خانه‌ها جای خوش کرده بود گذشتاندم. بطرف بالا چند قبرستان و یک درخت خشک به چشم می‌خورد و با نزدیک شدن به آن، گلدسته‌های کوچک روایت از تاریخی بودن این مکان را بیان می‌کرد.



دور سوم شماره ۱۴۴ - ۱۴۵ اسدو سنبله ۱۳۹۹ خورشیدی

۲۴



هرات رسانید. به همین خاطر به نام خواجه غلتان معروف شده است.

اعتقادات مردم

در قسمت شرق این بنای تاریخی زمینی با ریگهای نرم وجود دارد که مردم به هدف روی آن غلت می‌خورند و باور دارند که بعد از یکی دو غلت اول که به اراده خودشان است، دیگر غلت خوردن به اراده آنان نمی‌باشد.

گفتنی است که هرات شهری است که بزرگانمان مانند خواجه عبدالله انصاری،

خواجه غلتان از بزرگان دیار هرات به حساب می‌آید، اما در مورد تاریخ تولد و وفات این بزرگ اطلاعاتی دقیق در دست نیست.

رسول پویان، در کتاب جغرافیای



ادامه مطلب ...

عبدالخالق هروی رییس این اداره به اخبار روز گفت که ساحه اطراف این بنای تاریخی برای کسب عواید و مفید بودن آن به کرایه داده شده است و در صورتیکه مقام ولایت و ریاست اطلاعات و فرهنگ هرات خواستار منع این کارو بار باشند، ما حاضر هستیم که کسب و کار اطراف خواجه غلتان‌ولی را برای سهولت بازدید کننده‌گان تعطیل کنیم. رییس این اداره همچنان افزود، برای مرمت کاری این بنای تاریخی بودجه‌ای در دسترس این اداره موجود نیست.

خواجه غلتان‌ولی که بوده است

یحیی ابن عمار سجستانی معروف به



عمومی هرات نوشته است، مبنی بر برخی روایت‌ها و باروهای مردم شیخ یحیی سجستانی در هنگام رسیدن به شهر هرات مشاهده کرد که خاک این شهر، مدفن اولیا، دانشمندان، هنرمندان و دیگر بزرگان است به همین خاطر پای خود را بر این خاک مقدس گذاشت و با غلت زدن خود را به شهر



ابوالولید آزادانی، مولانا عبدالرحمن جامی... در خاک آن دفن شده‌اند.





افزایش خشونت‌ها در کشور مردم

راپه صلح بی‌باور ساخته است

گزارش ویژه از بی‌باور

نجات و فرار از جنگ هستند و این افزایش خشونت‌ها مردم را بیش از پیش نگران ساخته است. با این حال، آگاهان سیاسی در هرات به این عقیده‌اند که دخالت برخی از کشورها باعث شده که طالبان به آتش بس تن ندهند و روند افزایش خشونت همچنان جریان داشته باشد. محمد رفیق شهپر؛ آگاه سیاسی می‌گوید: "حلقاتی هم در دولت افغانستان و هم در بین طالبان وجود دارند که طرفدار تحقق صلح در افغانستان نیستند و منافع این افراد با تأمین صلح در کشور به خطر مواجه می‌شود. این آگاه سیاسی افزود، انتظار نمی‌رود که خشونت‌ها در افغانستان به همین زودی کاهش پیدا کند، گفتگوهای صلح بیشتر برای امتیازگیری است و ادامه افزایش خشونت‌ها در کشور مردم را به صلح بی‌باور ساخته است. حرف از افزایش خشونت‌ها در کشور در حالی به میان می‌آید که مذاکرات صلح بین افغان‌ها برای کاهش خشونت و آتش بس در دوحه قطر جریان دارد.

دارند که شروع گفتگوهای صلح باید با آتش بس باشد تا باورمندی مردم به پروسه صلح بیشتر شود. این فعال مدنی اضافه کرد، زنان بیشترین قربانی را در خشونت و جنگ‌ها در افغانستان داده‌اند. دیگر تحمل جریان جنگ را ندارند و طرف‌های درگیر جنگ باید به خواست زنان مبنی بر ختم جنگ در کشور توجه کنند. با این حال، سکینه حسینی عضو شورای ولایت هرات گفت: "به عنوان نماینده مردم هرات از افزایش خشونت‌ها در افغانستان نگران هستم". خانم حسینی ابراز داشت که دور از اخلاق اسلامی و شرعی است که طرف‌های درگیر جنگ برای اهداف شخصی خود افراد ملکی و معصوم را مورد حمله قرار دهند. در همین حال، آغا ملنگ بورانی رییس شورای مردمی حفاظت از افراد ملکی در هرات گفت: از زمان آغاز مذاکرات صلح در قطر خشونت‌ها در ولسوالی‌ها و ولایات مختلف کشور افزایش یافته است و مردم در روستاها در حال کوچ کردن برای

شورا و گروه کاری حفاظت از غیر نظامیان در ولایت هرات افزایش میزان خشونت‌ها در کشور را با وجود جریان گفتگوهای صلح بین افغان‌ها در کشور را نگران کننده می‌خوانند و این خشونت‌ها در چنین شرایطی در تعارض با روحیه صلح‌باوری می‌دانند. این گروه از فعالین مدنی هرات از طرفین جنگ در افغانستان می‌خواهند که هرچه زودتر به خشونت‌ها در کشور پایان بدهند. سید اشرف سادات عضو این گروه می‌گوید: "یافته‌های نظارتی این گروه نشان می‌دهد که خشونت‌ها علیه غیر نظامیان در ولایات مختلف کشور جریان دارد و این افزایش خشونت‌ها در حالی صورت می‌گیرد که مذاکرات صلح بین افغان‌ها در قطر جریان دارد". آقای سادات افزود، طرف‌های درگیر هرچه زودتر باید دست از خشونت بردارند چون بیشترین قربانیان این خشونت‌ها غیر نظامیان هستند. گلثوم صدیقی یکی دیگر از فعالین مدنی در هرات گفت: مردم افغانستان توقع



برنامه‌های بزرگ جهانی



وجود مسایل محیطی در سطح جهان با افزایش هماهنگ کنفرانس‌ها و پیمان‌های بین کشورها و بین گروه‌هایی از کشورهای همراه بوده است. موافقت نامه‌های افزایش همکاری برای جلوگیری از گرمایش زمین، حفظ لایه اوزون مقابله با باران اسیدی برای هوا، آب و خاک پاک و به موازات آن بازیابی مواد و ضایعات صنعتی به تدریج روبه گسترش است. اثرات روی مسایل پایه و اصلاحات واقعی تاکنون فقط در جاهای معینی اتفاق افتاده است (برای مثال، کیفیت آب رودخانه‌های راین) پول کمتری برای ملاقات‌های کنگره‌ها و کنفرانس‌ها و کمیته‌های سیاسی و به جای آن تصمیمات سیاسی واضح و روشن و پول بیشتر برای تحقیق در علوم خالص می‌تواند موفق‌تر باشد. مراکز بزرگ تحقیقاتی که به مسایل محیطی می‌پردازند، موجی از سازمان‌ها را بوجود آورده که پیش از پیش به توسعه زبان گفتاری خود پرداخته‌اند. و لازم است که فعالیت‌های این مؤسسات بصورت انتقادی نقدوایده‌های جدید به آنها تزریق شود. بسیاری از این پروژه‌های بزرگ تسهیلات تحقیق شبکه‌ای آنها سعی در درک پویای فیزیکی شیمیایی در مقیاس جهانی دارند. موضوعات جهان به وضوح نادیده گرفته شده‌اند. اینکه آیا برنامه مانند *diversitas* بتواند پشتیبانی بیابد. سوال انگیز است. بسیاری از مسایل برای مدت زمان طولانی شناسای شده‌اند. و به رغم مهم بودن داده‌های واقعه نگار حقیقی، این فقط یک روی سکه است و روی دیگر آن انجام اقدامات است که بتواند مسایل را حل کند.

شواهد موجود

برای نیل به بهره‌برداری پایدار که زندگی فرزندان ما را از زشمند سازد، چه باید کرد؟ این طرح مسئله در علم نیست بلکه سواالی است در قلمرو سیستم اجتماعی - سیاسی. گمان می‌رود که با توده جمعیت دقیقاً مانند شهروندان بالغ رفتار نمی‌شود. اقدامات دور اندیشانه از کار کرد به دور مانده و نسل‌های آینده مجبور به پرداخت هزینه اشتباهات گذشته می‌شوند. تغییر فقط زمانی حاصل می‌شود که همگان همسو باشند.

تغییرات اقلیمی و پیامد آن بر منابع آب و محیط زیست

از زمانی که گزارش سوم ارزیابی (TAR) آی پی سی منتشر شده است پیشرفت‌های قابل توجهی در شناخت تغییرات اقلیمی در گذشته، حال و پیشبینی‌های آینده حاصل شده است. دلیل این پیشرفت‌ها دستیابی به حجم زیادی از داده‌های جدید، تجزیه و تحلیل‌های جامع و پیچیده‌تر داده‌ها، فهم بیشتر پیمچیدگی‌های تغییرات اقلیمی، شبیه سازی، فرایندهای فیزیکی در مدل‌های اقلیمی در کشف دامنه بیشتری از عدم قطعیت نتایج مدل‌هاست. آنچه که قطعی است، تغییر اقلیم در حال رخ دادن است و دست کم تا دهه‌های آینده حتی اگر در حال حاضر به مقدار چشمگیری از انتشار گازهای گلخانه‌ای کاسته شود کره زمین از آن متأثر است. میزان و شدت گرمایش در قرن ۲۱ میلادی به سنایورهای مختلف انتشار گازهای گلخانه‌ای بستگی دارد. بر اساس گزارش ویژه آی پی سی در مورد سنایورهای مختلف انتشار گازهای گلخانه‌ای، میانگین گرمایش کره زمین از سال ۱۹۹۰ تا پایان سال ۲۱۰۰ دارای دامنه تغییرات ۱/۴ درجه تا ۵/۸ درجه سانتی گراد و میانگین سطح آب دریاها از ۹ سانتی متر تا ۸۸ سانتی متر تحت تأثیر انبساط گرمایی و ذوب کوه‌های یخ پیش بینی می‌شود.

از گزارش کار گروه اول آی پی سی چنین استنباط می‌شود که در ۲۵ سال گذشته سطح کره زمین در هر دهه به طور میانگین ۰.۱۷۷+۰.۰۵۲ درجه و در ۶۵ سال گذشته در هر دهه ۰.۱۲۸+۰.۰۲۶ درجه سانتی گراد گرم‌تر شده است. این در حالیست که تغییرات دما در گستره ایران از سال ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۵ چیزی در حدود ۰.۲۵ تا ۰.۴۵ درجه سانتی گراد تخمین زده شده است. (۷ / ص ۴۱)

واقعیت موجود بیانگر آنست که کشور پهناور ایران از بسیاری کشورهای دیگر بیشتر در معرض تأثیر پذیری از تغییرات اقلیمی است. خشک سالی‌های پی‌درپی سال‌های اخیر، سیل‌های ویرانگر و به طور کلی تغییرات الگوی بارش‌ها و نزولات جوی در گستره کشور موید این واقعیت است. آمارهای موجود جهانی نیز نشان می‌دهند کشور ایران نقش قابل توجهی در انتشار گازهای گلخانه‌ای دارد. تعهدات بین‌المللی در کنار تعهدات ملی ایجاب می‌کند که در کنترل گازهای گلخانه‌ای که عامل اصلی دخالت بشر در

تغییرات اقلیمی است بیش از پیش مشارکت داوطلبانه در عرصه‌های بین‌المللی وجود داشته باشد. در راستای برنامه‌ریزی کنترل این پدیده در محور اساسی، یک کاهش اثر و دیگری سازگاری با شرایط مدنظر است. در محور اول هر اقدامی که از یک سو موجب کاهش گازهای گلخانه‌ای همانند استفاده از انرژی‌های نو به جای سوخت‌های سنگواره‌ای و از سوی دیگر موجب کاهش غلظت گازهای گلخانه‌ای در هوا سپهر و ترسیب کاربن همانند توسعه جنگل‌ها گردد می‌تواند مؤثر باشد.

مفهوم تغییر اقلیمی و نگرانی‌های آن

کره زمین حدود پنج میلیارد سال قدامت دارد انسان‌ها تنها ۰.۰۰۰۴ در صد از این تاریخ، یعنی حدود ۲۰۰۰۰۰ پیش زندگی خود را آغاز کرده است. در این مدت تغییراتی اساسی در آب و هوای کره زمین رخ داده و انسان تغییرات اساسی تجربه کرده است. برخی از این تغییرات تنها در طول ۱۲۰۰۰ سال اخیر رخ داده‌اند دوره که در آن آب و هوای سیاره زمین در مقایسه با پیش، تثبیت و گرم‌تر شده است.

در طول دوره تثبیت اقلیمی، انسان بی‌برد چگونه حیوانات را اهلی و به خدمت خود در آورد. این کشفیات که حدود ۱۰۰۰۰ پیش حاصل شد نهایتاً منجر به کشاورزی مدرن گردید و رابطه بین انسان و سیاره زمین را به طور بنیادین تغییر داد. انسان محدودیت‌های اولیه جمعیت را شکست و موجب شد که بیش از ظرفیت تحمل کره زمین و بدون توجه به کنترل نیازهای خویش، منابع محدود این سیاره را در اختیار بگیرد. بیگمان کشاورزان اولیه آزاد بودند بدون محدودیت هر کجا می‌خواهند به کشت و زرع بپردازند. اما هزاران سال بعد انسان متوجه شد که توسعه کشاورزی بدون کنترل، می‌تواند برای جامعه مضر و تخریب کننده باشد. به همین دلیل قوانین محلی تدوین شد تا براساس آن مشخص شود کشاورزی چگونه و کجا باید انجام شود. در این دوره زمانی نیاکان ما احتمالاً محدودیتی برای دفع ضایعات زباله‌ها و دیگر فضولات خود نداشتند. وقتی جمعیت زیاد شد متوجه شدند که زباله‌ها و دیگر فضولات، موجب آلودگی می‌شوند و برای سلامتی انسان مضرات ناظر بر این قوانین اولیه زیست محیطی تدوین شد و فناوری‌های نو به وجود آمد تا ضایعات وزباله‌های تولیدی نیز کنترل و مدیریت شوند. بالاخره رفته رفته جامعه بین‌الملل برای اولین بار براساس پروتکل ۱۹۸۷ مونترال کانادا، که یک توافقنامه جهانی است، پذیرفت براساس مستندات علمی اقدامات لازم برای کنترل برخی گازهای صنعتی که باعث از بین رفتن لایه اوزون می‌شوند به عمل آورد. تاریخچه‌ی روابط انسان با محیط زیست نشان داده است وقتی جامعه متوجه می‌شود سلامت و حیات او در خطر است، ناگزیر قوانین و راهبردهای لازم را برای کنترل تهدیدها تدوین می‌کند. شواهد علمی نشان می‌دهند انتشار بدون کنترل گازهای گلخانه‌ای ناشی از فعالیت‌های انسانی برای توسعه جامعه امروزی تهدیدی جدی به حساب می‌آید. آگاهی از برخی فعالیت‌های انسان که آب و هوای کره زمین را تحت تأثیر قرار می‌دهد او را ملزم می‌نماید تا راهکارهای عملی برای کنترل آن چاره جوی کند. این خود لزوم ارایه تعریفی جدیدی از رابطه انسان و کره زمین به خصوص آن بخش از فعالیت‌ها که تبادل آب و هوایی را در طبیعت به هم می‌زند، ضروری می‌نماید. (۲ / ص ۱۶)

ادامه مطلب در صفحه بعدی



ادامه مطلب . . .

مشاهدات اخیر نشان می‌دهد تولید و انتشار گازهای گلخانه‌ای و بسیاری از شاخص‌های اقلیم نزدیک به بالای دامنه پیش‌بینی‌های کمیته بین‌دول تغییرات اقلیم (آی سی سی) در حال تغییر است. همچنین بسیاری از شاخص‌های کلیدی تغییر اقلیم بیش از الگوهای طبیعی که جامعه و اقتصاد بر مبنای آن توسعه یافته است.

در حال دگرگونی است. به عنوان نمونه، افزایش میانگین دمای سطح کره زمین، بالا آمدن سطح آب دریاها، افزایش دمای آب اوقیانوس‌ها، ذوب شدن یخچال‌ها و کوه‌های یخ، وقوع حوادث غیر عادی اقلیمی، طوفان‌های ویرانگر و تغییر الگوی بارش‌ها را می‌توان نام برد.

بیدارباش تغییر اقلیم

شواهد موجود نشان می‌دهند تغییر اقلیم به عنوان یک واقعیت انکارناپذیر در حال رخ دادن است و ما نمی‌توانیم بیش از این منتظر بمانیم تا اقدام کنیم. این عبارت است که دبیرکل سابق سازمان ملل (کوفی عنان) سال ۲۰۰۱ در امریکا طی یک سخنرانی ایراد نمود. هر روز شواهد بیشتری بدست می‌آید که اقلیم کره زمین در حال تغییر و دگرگونی است دهه ۱۹۹۰ گرانترین دهه در یک صد سال گذشته و سال ۱۹۹۸ گرانترین سال به ثبت رسیده است با اساس آخرین گزارش منتشر شده توسط



سازمان هواشناسی جهانی، سال ۲۰۱۰ گرم‌ترین سال در دوره تاریخی اخیر اعلام شد. در طول قرن گذشته دمای کره زمین به اندازه ۰.۵ درجه سانتی‌گراد افزایش یافته است که بزرگترین افزایش دست کم در یکصد سال گذشته بوده است.

بر اساس گزارش آی پی سی سی (۲۰۰۷) شدت افزایش دما در دهه‌های اخیر رشد چشمگیری داشته است به طوری که در ۳۵ سال اخیر حدود ۰.۱۸ درجه سانتی‌گراد در هر دهه افزایش نشان می‌دهد.

به اساس همین گزارش میانگین افزایش دما روی خشکی‌ها نقاط مختلف کره زمین بیاتر آنست که کشور ایران در ناحیه قرار گرفته که در دهه‌های اخیر میانگین افزایش دما بین ۰.۳۵-۰.۲۵ درجه سانتی‌گراد در هر دهه را تجربه کرده است که این امر شدت افزایش گرما در دهه‌های مختلف و نقاط مختلف را نشان می‌دهد. بواسطه این افزایش دما سطح پوشش برف‌ها در حال کاهش، یخچال‌ها در حال ذوب، دریاچه‌ها و تالاب‌ها در حال گرم شدن، الگوی بارندگی‌ها در حال تغییر، سطح آب دریاها در حال افزایش و دوره‌های خشک سالی با شدت و تواتر بیشتر رخ می‌نماید.

پدیده‌های اقلیمی غیر عادی شامل طوفان‌های تند، سیل‌های برق‌آسا و خشکسالی‌های بی‌درپی در بسیاری از نقاط دنیا ثبت شده است. از بین رفتن توده‌های بزرگ یخ‌های قطبی و ذوب یخچال‌ها، افزایش سطح آب دریاها پیشروی آب شور دریا و تداخل در سطره‌ها آب شیرین از پیامدهای این تحولات است. این دگرگونی‌ها از سوی دیگر موجب بروز تحولات در سامانه بیولوژیک طبیعت می‌شود که پیامد آشکار آن تغییر توزیع و پراکندگی جمعیت می‌باشد.

جدول تغییرات مشاهده شده در روان آب، سیل، خشکسالی‌ها و سطح آب دریاچه‌ها را نشان می‌دهد.

محل	دوره زمانی	تغییرات مشاهده شده	پارامترهای محیطی
حوضه‌های قطب شمال غرب امریکای شمالی، انگلیس، کانادا، شمال اروپا آسیا	۱۹۹۹-۱۹۳۵ ۱۹۳۶ ۲۰۰۰-	افزایش سالانه ۵٪ افزایش زمستانه ۲۵٪ تا ۹۰٪ افزایش زمستانه دبی پایه به دلیل افزایش ذوب یخچان‌ها تشکیل دبی اوج زودتر (۱ تا دوهفته) به دلیل گرم شدن زودتر و ذوب شدن برف‌ها	روان آب، آب جاری در مسیل‌ها
رودخانه حوالی قطب	سال‌های اخیر -۱۸۴۷ ۱۹۹۶	افزایش تواتر سیل‌های فاجعه آفرین (۰.۵ تا ۱٪) به دلیل زودتر شکسته شدن یخ رودخانه‌ها و بارندگی‌های سنگین ۷۹٪ نیز کاهش در دبی حداکثر روزانه ۲۹٪ کاهش در دبی حداکثر روزانه تنها به دلیل افزایش دما و افزایش تبخیر بدون تغییر در بارندگی	سیل
جنوب کانادا غرب امریکا	۱۹۹۸ ۲۰۰۴-	به دلیل تابستان‌های خشک و غیر معمول در پیوند با جریان‌های اوقیانوس‌های آرام و هند در سال‌های اخیر	خشکسالی
اروپا امریکای شمال، آسیا ۱۰۰ ایستگاه	۴۰ سال	۰.۱ تا ۱.۵ افزایش آب دریاچه‌ها ۰.۲ تا ۰.۷ افزایش دمای آب ژرفای دریاچه‌ها	دمای آب
افریقای شرقی ۶ ایستگاه، امریکای شمالی، اروپا اروپای غربی و شرق آفریقا ۸ ایستگاه، امریکای شمالی اروپا ۸۸ ایستگاه	۱۰۰ سال ۱۰۰ سال -۲۰ ۱۰ سال	کاهش عناصر غذایی با افزایش لایه بندی آب یا طولانی شدن دوره رشد در دریاچه‌ها و رودخانه‌ها افزایش فرسایش شیمیایی حوضه‌های آب خیز و تغییر فرایندهای درونی دریاچه‌ها یا رودخانه‌ها	شیمی آب

(۲ص ۹۸)

روش پالمیر مطلوب‌ترین روش ترکیبی متغیرها بارش و درجه حرارت است. ضریب پالمیر برای دوره‌های طولانی مدت شدیدترین خشکسالی‌های غیر معمول، ضریبی در حدود ۶- را نشان می‌دهد. نتایج تجزیه و تحلیل دوره طولانی مدت یک سری از ضرایب خشکسالی ماهیانه را نشان می‌دهند که شاخص خشکی پالمیر بین ۶+ و ۶- تغییر می‌کند.

ادامه دارد...



سیاوشان، یاد آوری از باستان زمانه‌ها سرزمین دلارای



محمد صدیق میر:

چو شد سال بر شصت و شش چاره جوی
تو چنگ فزونی زدی در جهان
نباشی برین نیز هم داستان
چو زان نامداران جهان شد تهی
بدانگه که اندر جهان داد بود
چه بر داشتند از جهان فراخ
کنون بشنو از گنگدژ داستان
که چون گنگدژ در جهان جای نیست
که آنرا سیاوش برآورده بود
بیکماه زان روی دریای چین
بیابان بیاید چو دریا گذشت
چو زین بگذری بینی آبادشهر
وز آن پس یکی کوه بینی بلند
مر این کوه را گنگدژ در میان
چو فرسنگ صد کرد بر گرد کوه
ز هر سو که بوئی برو راه نیست
بدینگونه سی و دو فرسنگ تنگ
برین پنج فرسنگ اگر پنج مرد
نیاید بریشان گذر صد هزار
کزین بگذری شهر بینی فراخ
همه شهر کرماه و رود جوی
همه کوه نخجیر و آهوبدشت
تذروان و طباوس کبک دری
نه گرمش گرم و سرماش سرد
نبینی در آن شهر بیمار کس
همه آنها روشن و خوشگوار
درازی و پهنش سی بار سی
یکو نیم فرسنگ بالای کوه
وز آن روی هامونی آید پدید
برفتش سیاوختش و آنرا بدید
تن خویش را نام بر دار کرد
ز سنگو زچ ساختن ز رخام
ز صدرش فزونیست بالای اوی
نیاید بدو منجیق و نه تیر

پایان قسمت اول



چرا بهره‌ما همه غفلتست
زیبشی و از رنج بر تاب روی
گذشتند از تویی هم‌رهان
یکی بشنو از نامه باستان
تو تاج فزونی چرا بر نهی
از ایشان جهان یگسر آباد بود
از آن گنج و آن تاج و ایوان و کاخ
بدین داستان باش هم داستان
بر آنسان زمینی دلارای نیست
بسی اندرو رنجهها برده بود
که بی نام گشت این زمان آزمین
بینی یکی پهن بی آب دشت
کز آن شهرها بر توان داشت بهر
که بالای آن برتر از چون و چند
بدان کت ز دانش نیاید زیان
ز بالای او چشم گردد ستوه
همه گرد بر گرد او بر یکیت
از اینروی و آنروی دیوار سنگ
بباشد بره از پی کار کرد
زره دارو بر گستوان و رسوار
همه گلشن و باغ و میدان و کاخ
بهر برزنی رامش و رنگ و بوی
چو این شهر بینی نباید گذشت
بیایی چو بر گوهها بگذری
همه جای شادی و آرام و خورد
یکی بوستان از بهشتت و بس
همیشه برو بوم او چون بهار
بود گر بیمایدش باریسی
که از رفتش مرد گردد ستوه
کز آن خوبتر جایگه کس ندید
مر آنرا ز توران زمین برگزید
فزونی یکی نیزه دیوار کرد
وز آن گوهری کش ندانیم نام
همان سی و پنجست پهنای اوی

بلده محروسه هرات، با داشتن هزاران هزار ساحه تاریخی و نفیس که هر یک شکوه و عظمت دوره‌های طلائی مشخصی را تداعی می‌نماید در جهان بویژه در آسیا مثال ماه شب ده و چار می‌درخشند.

یکی از این ساحات بسیار با ارزش که زیب و زینت صفحات تاریخ این کهن دیار شده، روستای سیاوشان از توابع ولسوالی گذره یا گذاره است که پیوندی عمیق با دوران اساطیری همانا زمان طولانی پیشدادیان دارد. این جای دلارای سرسبز و شاداب تاریخی که روح هر رهگذر را با نسیم ملایم و خوشگوارش نوازش می‌دهد، نامش را از یکی از شاهان لایق و قدرتمند اساطیری که سیاوش‌اش خوانندگمائی نموده است، باشندگان آنسامان دلگشای به سبب حرمتی که به سیاوش، آن شاه عالیقدر آریائی داشتند، نام زادگاه خویش را «سیاوشان» می‌گذارند. که از باستان زمانه‌ها تا ایندم همچنان به همان نام مسمی و یاد می‌گردد. این بیان خوبترین وجه تسمیه است که ابراز می‌شود. بنا بر روایتی (۱) زمانی که سیاوش از پسر دل می‌رنجد به جانب سیاوشان روی می‌آورد و مورد تکریم افراسیاب قرار گرفته و برایش دژ دیدنی و تسخیر ناپذیر می‌سازد. اما فردوسی طوسی (۲) (ت) ف: ۴۱۱ یا ۴۱۶ صاحب شاهنامه در خصوص اینکه افراسیاب برای سیاوش دژ عظیم بسازد چیزی بدست نمی‌دهد. اما از ساخت گنگ دژ توسط سیاوش، فردوسی (۳) با زیبایی تمام و روایتی دلنشین بزبان شعر چنین خاطر نشان می‌سازد:

کنون بر گشایم در داستان
یکی داستان گویمت بس شگفت
ز گنگ سیاوش گویم سخن
برو آفرین کو جهان آفرید
خداوند دارنده هست و نیست
به پیغمبرش بر کنم آفرین
چو گیتی تهی ماند از آن راستان
کجا آن سرو تاج شاهنشاهان
کجا آن بزرگان با تاج و تخت
کجا آن حکیمان و دانندگان
کجا آن بتان پر از ناز و شرم
کجا آن که بر کوه بودش کنام
کجا آن که سودی سرش را به ابر
همه خاک دارند بالین و خشت
ز خاکیم و باید شدن سوی خاک
تورفتی و گیتی بمسند دراز
جهان سر بسر حکمت و عبرتست

ساختن سیاوش گنگ دژ را
سخن‌های شایسته باستان
که اندیشه از وی توان برگرفت
وز آن شهر و آن داستان کهن
ابا آشکار و نهان آفرید
همه جنتت و ایرتد یکیتست
بیارانش بر یک یک همچین
تو ایدر بیودن مزین داستان
کجا آن دلاور گرمی مهران
کجا آن نیاکان پیروز بخت
همان رنج بردار خوانندگان
سخن گفتن خوب و آوای نرم
بریده ز آرام و از کام و نام
کجا آن که بودی شکارش هزیر
حنگ آنکه جز تخم نیکی نکشت
همه جای ترست و تیمار پاک
کجا آشکارا بدانش راز

شکایت خبرنگاران

از عدم دسترسی به اطلاعات

گزارشی از فریبا اکبری

خبرنگاران هرات می‌گویند که در دسترسی به اطلاعات باید چالش‌های زیادی را بگذرانند و روز به روز مشکلات برای دسترسی به اطلاعات بیشتر می‌شود.

۲۸ سپتامبر؛ روز جهانی دسترسی به اطلاعات است، اما خبرنگاران در هرات وضعیت دسترسی به اطلاعات را خوب توصیف نمی‌کنند.

سیمین صدف خبرنگار در هرات بیان می‌کند که چالش دسترسی به اطلاعات در هرات روز به روز بیشتر می‌شود و خبرنگاران زن بیشتر با این چالش‌ها دست و پنجه نرم می‌کنند.

او می‌گوید: "توقع می‌رفت با برگزاری برنامه‌های آگاهی دهی برای مسوولان در رابطه به حق دسترسی به اطلاعات کمتر شود، اما برخلاف انتظار ما این مشکل هنوز پا برجاست.

سیمین می‌افزاید، اگر حق دسترسی به اطلاعات در هرات به همین منوال پیش رود، انجام کار خبرنگاری در هرات دشوار خواهد بود.

عاطفه غفوری؛ یکی دیگر از خبرنگاران بیان می‌کند دسترسی به اطلاعات از دشوارترین کارها



برای خبرنگاران است.

وی ابراز داشت، آگاهی از

قانون حق دسترسی به اطلاعات در

بین اداره‌های دولتی وجود دارد، اما به دلیل اینکه باعث افشا فساد می‌شود از دادن اطلاعات سرباز می‌زنند.

با این وجود، مسوولان نهاد نی (حمایت‌کننده رسانه‌های آزاد در افغانستان) در هرات بیان می‌کنند، وضعیت دسترسی به اطلاعات فاجعه بار است و نسبت به دو سال گذشته حق دسترسی به اطلاعات محدودتر شده است.

حامد مؤمن؛ رییس این نهاد در هرات می‌گوید: "در صورتیکه برای نهادهای دولتی برنامه‌های برای آگاه ساختن آنها از حق دسترسی به اطلاعات برگزار شده، اما در تغییرات مثبتی روند حق دسترسی به اطلاعات نیامده است و نگرانی ما این است که

این روند آزادی بیان را به

شدت محدود ساخته است.

اقای مؤمن ادامه می‌دهد، حکومت باید مطابق به قانون برای باز شدن فضای آزادی بیان اقدام کند.

در همین حال مقام‌های محلی در هرات می‌گویند، تلاش اداره محلی هرات این است که دسترسی به اطلاعات را برای شهروندان و خبرنگاران ساده سازد.

جیلانی فرهاد؛ سخنگوی والی هرات بیان می‌کند، شکایت‌های مبنی بر سرباز زدن از دادن اطلاعات به اداره محلی هرات رسیده، اما تلاش اداره محلی این است که این چالش‌ها را رفع سازد.

دسترسی نداشتن به اطلاعات به ویژه از سوی اداره‌های دولتی همواره از مشکلات فرا روی خبرنگاران و رسانه‌ها بوده است.



دور سوم شماره ۱۴۴ - ۱۴۵ اسد و سنبله ۱۳۹۹ خورشیدی

۳۰



تیم فوتبال دختران هرات قهرمان مسابقات لیگ برتر بانوان افغانستان شد

فوتبال روی آورده است. او ابراز می‌دارد: "با وجود دشواری‌های زیاد فراراه زنان ورزشکار، کسب قهرمانی در لیگ برتر بانوان افغانستان خوشحال کننده است و امیدوارم روزی پرچم افغانستان را در میادین بین‌المللی ورزش بلند کنم." او در هر چهار فصل لیگ برتر بانوان افغانستان کپیتان تیم منتخب بانوان ولایت هرات بوده است. در فصل چهارم لیگ برتر فوتبال زنان افغانستان، تیم‌های هرات، بامیان و جوزجان در گروه اول و همچنان تیم‌های کابل، بلخ و غور در گروه دوم باهم رقابت کردند.

فوتبال دختران هرات با به ثمر رساندن ۱۳ گل عنوان خانم گل این دوره مسابقات را از آن خود کرده است. وی بیان می‌کند که این مسابقات با کیفیت خوبی برگزار شد و پیروزی دختران هرات در این دوره بسیار خوشحال کننده بود. او همچنان می‌افزاید، قهرمانی این مسابقات برای تمام مردم هرات و افغانستان یک دوست‌آورد بود. ما خواهان این هستیم که با ختم گفتگوهای صلح همچنان دست‌آوردهای زنان حفظ شود. صبریه نوروزی کاپیتان تیم منتخب ولایت هرات است که هشت سال می‌شود به

تیم فوتبال دختران هرات در چهارمین دور از مسابقات لیگ برتر بانوان افغانستان عنوان قهرمانی را کسب کرد. عابده نافع مسوول کمیته فوتبال بانوان هرات می‌گوید: "دختران هرات برای اشتراک در چهارمین فصل مسابقات فوتبال بانوان با توجه به چالش‌های فرا روی‌شان بسیار تلاش کردند." وی همچنین می‌افزاید، زمینی معیاری و گمنایوم ویژه بانوان در هرات وجود ندارد و دولت و مردم باید برای رشد بانوان فوتبالیست از آنان حمایت کنند. فاطمه حیدری یکی از بازی‌کنان تیم



دور سوم شماره ۱۴۴ - ۱۴۵ اسد و سنبله ۱۳۹۹ خورشیدی

۳۱



حیبا الرحمن خاتلف

سخن

همه می دانیم که سخن فاخر امروزی حاصل تلاش های شفاهی و کتبی بوده که شامل تمام میراث های فرهنگی امروز از قبیل (هنر، دانش، ادبیات) و غیره مسایل را شامل است.

همچنین آیین ها و ادیان تماماً بوسیله سخن بارور گردیده که در جهان امروزی تحول عظیمی را به وجود آورده است.

وقتی صحبت در مورد سخن به میان می آید می توان آن را از روی وزن و سنگینی کلام آن دانست و گوینده سخن را هم از محتوای کلام و گفتار آن شناخت. زیرا که سخن کل اساس آفرینش بوده چیزی نیست جز فخر انبیا مرسل.

وقتی می بینیم به حضرت موسی (کلیم الله) لقب داده شده است تا آن که بالاخره به حضرت محمد «ص» اولین و آخرین سردار انبیا در شب معراج سلطان سخن بودند و هم تمامی انبیا از طریق سخن به خداوند «ج» راز و نیاز داشتند، کتاب آسمانی و تمام صحیفه ها کلام (سخن) خدا بوده است که برای انبیا و رسول نازل شده است.

لپذا سخن انعکاس دهنده شخصیت گوینده یا متکلم است بناءً اگر بخوایم ظرفیت گوینده را بدانیم و به شخصیت آن بی بریم مسلماً از فحوای کلام اوست که می توان آن را شناخت. (سخن چه دینی باشد یا عرفانی چه و اجتماعی باشد).

هر کتابی در هر مورد نوشته شده به وسیله سخن بیان می شود. اینجاست که عظمت و شخصیت یک شخص از روی نوشتار و گفتار آن هویدا می گردد. زیرا سخن ممیزه خاص انسان هاست که انسان ها را از دیگر بهایم متمایز می سازد.

باید فراموش نکنیم که سخن، سخن سنج نیز بکار دارد که تا سخن گوینده را بداند و کلام متکلم به دل او بنشیند.

چنانچه حضرت حافظ در مورد اشارتی کرده است و می گوید:

چو بشنوی سخن دل مگو که خطاست
سخن شناس نه ای جان من خطا اینجاست
 بطور مثال اگر جاهل با عالمی در مورد موضوعی که نمی داند به پای صحبت نشسته و بحث می کند و درک جواب مقابل را هم ندانسته قناعتش حاصل نگردیده و مشاجره می نماید در عین گفتگو از دهانش حرف های بیرون می شود که به اصطلاح به قوطی هیچ عطاری هم نباشد به این تیب مردم گفته شود (یا سخن دانسته گویا مرد نادان یا خاموش)

حضرت ابوالمعانی بیدل در وصف سخن گفتنی های دارد که چقدر زیبا و دل پسند است.

۱ - سخن گره گشای سخنور است.

(صفحه ۶۳ از جهان بینی بیدل داکتر عبدالله آرزو)

۲ - بیدل دنیا را عبارت سخن گفته است.

(صفحه ۶۳ از جهان بینی بیدل داکتر عبدالله آرزو)

به وصف سخن نیست یارای من
مگر وصف خود، خود بگوید سخن
 (صفحه ۷۷ داکتر عبدالله آرزو)

به فهمی اگر رمز لوح و قلم
به غیر سخن نیست آنجا رقم
 (صفحه ۷۷)

(چاه زبان)

رستن چه خیالی است ز چاهیکه زبان کند
چون شمع فرو رفت درین ورطه جهانی
 (صفحه ۳۳۹ نقد بیدل اثر استاد صلاح الدین سلجوقی)

جهان گر بمیرد سخن زنده است
سخن نیست این جان پاینده است
 (صفحه ۶۱ خوشه های در جهان بینی بیدل داکتر عبدالله آرزو)

به سر دستت و هم دیگر هیچ
که بجز از سخن در جهان نیست هیچ
 (صفحه ۷۷ خوشه های از جهان بیدل داکتر عبدالله آرزو)

سخن چیست آن معنی بی نشان

که جایی خموش است و جای بیان
 (صفحه ۲۳ خوشه های از جهان بینی بیدل داکتر عبدالله آرزو)

أمم را رسول از سخن شد دلیل
نیارود غیر از سخن جبرئیل
 (صفحه ۶۶ خوشه های از جهان بینی بیدل داکتر عبدالله آرزو)

گویند سخنی که از دل خیرد بر دل نشیند و سخنی که در وی کذب یا تذویر باشد بر دل نشیند اگر همان لحظه بر دل نشیند مؤقتی بوده بجز اینکه گوینده بعداً شرمسار در نزد شنونده گان شود سودی را در پی نخواهد داشت.

کسیکه سخن رانی می کند یا سخن می گوید باید با وضاحت و دقت صحبت نماید تا مخاطب و یا شنونده مطلب گوینده را درک کند و بداند که چه می شنود و هدف متکلم را درک نماید. که هدف از صحبت آن چیست؟ اگر گفتار هرچه ملایم تر باشد با گشاده رویی و شیرین صحبت نماید و مطابق به روحیه شنونده گان باشد بهتر است و مخاطبین را بهتر به سخنان خویش جذب نموده بشرطیکه در گفتار و صحبتش کذب و فریب دادن هدف نباشد و توأم با صداقت و راستی بوده باشد. مخصوصاً در انتخابات ریاست جمهوری و دروغ شاخ داری گفته اند که یکی را هم عملی نکرده که در نزد خدا و مردم افغانستان و تاریخ شرمسار و سرافکننده می باشند، چرا که اشخاص کاذب وقار و حیثیت خود را از دست می دهند و دیگر حرفشان مورد قبول مردم واقع نمی گردد.

اگر در مجلسی صحبت می نمایم باید کوشش نمایم که مطابق روحیه مجلس صحبت نمایم تا اهل مجلس از پر حرفی بی مورد ما ملول نشوند و مخاطبین از سخنان ما راضی و سخنان ما را بشنوند و خستگی برایشان مستولی نگردیده و صحیح و خوب حرفها را گوش گیرند.

و از سخنان بی مورد و بی جا پرهیز شود زیرا نظر به گفته حضرت حافظ (هر سخن جای و هر نکته مکانی دارد).

باید فکر و اندیشه نمود و بعداً سخن گفت، که گفته اند (صد بار بیاندیش یکبار بیانداز)

